سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر

پیکار ۵۰

۱۲ صفحه

دوشنبه ۲۵ فروردین ۱۳۵۹ — بها ۲۰ ریال

خلقهای قهرمان ما در ادامه مبارزات دموکراتیک وضد امپریالیستی خود با آتش وخون، کلیه روابط استعمارگرانه امپریالیستی را قطع خواهند کرد. تنها در آنزمان است که میتوان از پیروزی قطعی بر امپریالیسم سخن راند.

امپریالیسم آمریکا، سوسیال امپریالیسم شوروی واوضاع منطقه

اوضاع بین المللی کنونی دارای دو مشخصه اساسی است: مشخصه اول، عبارتست از قیامها واوج گیری جنبش های انقلابی در کشورهائی چون ایران، نیکاراگوئه، فیلیپین ال سالوادور، تایلند... ونیز رشد روزافزون جنبش کارگری درکشورهای امپریالیستی میباشد. این مبارزات انقلابی ضربات مهلکی بر امپریالیسم وارد کرده وبحران و تناقضات درونی جبهه ارتجاع جهانی را گسترده تر ساخته است. مشخصه دوم، کشمکش ورقابت شدید قدرتهای امپریالیستی است که در دوره اخیر ابعاد تازه ای بخود گرفته و جهان کنونی را هرچه بیشتر بسوی جنگ تازه یک می نماید.

این کشمکش ورقابت حدت یافته امپریالیستی چگونه قابل توضیح است؟ قدرتهای سلطه طلب که جهان را بین خود تقسیم کرده اند هریک به میزان قدرت "سرمایه" و "زور" خود سهمی از غارت جهان را به خود اختصاص داده است وبراین اساس مناسبات خاصی بین نیروهای امپریالیستی برقرار گشته است. لیکن امروز براثر عملکرد قانون رشد ناموزون اقتصادی ـ سیاسی سرمایه داری، درجبهه جانخواران توازن قوا تغییر یافته وامپریالیستها هریک برپایه قدرت کنونی خود درپی تغییر مناسبات واوضاع حاکم بنفع خویش می باشند. دراین جدال، امپریالیستها می کوشند تا سهم بیشتری از غارت وچپاول را بخود اختصاص دهند وبا این خاطر آنان به رقابت جدید تروفشرده دست زده اند تا دراین زورآزمائی رقبای دیگر را وادار به عقب نشینی بنمایند. ازآنجا که هر یک از قدرتهای امپریالیستی وتجاوزگر و بخصوص امپریالیسم آمریکا وسوسیال امپریالیسم شوروی منافع خود را تهدید شده و یا درخطر می بینند، به رقابت گسترده تر روی آورده وحتی به درگیریهای مسلحانه موضعی غیرمستقیم اقدام می ورزند.

«صلح» یا تدارک جنگ؟

البته قدرتهای سلطه طلب پیوسته از "صلح" حرف می زنند وپیمانهای بسیاری به منظور "تشنج زدائی"، "محدودکردن سلاحهای استراتژیک" و "خلع سلاح هسته ای" بین خود منعقد می سازند. ولی این "صلح طلبی ها" فقط ظاهر قضایاست. امپریالیستها از "صلح" حرف می زنند زیرا درپی فریب دادن کارگران وتوده های زحمتکش جهان می باشند.

بقیه درصفحه ۸

"مبارزه ضد امپریالیستی" به سبک آقای بنی صدر

• بنی صدر مردم را به تقلید از امپریالیسم ژاپن دعوت میکند

بنی صدر در مراسم نماز جمعه مطرح کرد که:

"بعضی گفته اند که سیاست من این است که دوا برقدرت را بیرون کنم وبجای آن ژاپن واروپا را وارد کنم... این حرفها با ازما بخردی است یا خدای نکرده تحریک همان ابرقدرت ها است چون اولا اروپا وژاپن نتوانائی ابرقدرت شدن را ندارند. آنها زیر سلطه آمریکا هستند و مردم آنها آمادگی دارند که فرصت بدهند کنند واززیر سلطه آمریکا بیرون بیایند".

(بامداد، ۵۹/۱/۲۳)

قبل ازهرچیز باید گفت که واقعیات نشان داده است که بنی صدر در قبال امپریالیسم

بقیه درصفحه ۲

کشتار وسرکوب زحمتکشان، قسمتی از برنامه هیئت حاکمه درسال "امنیت"

کشتار بیکاران ماهشهر

کشتار مردم بیدفاع اندیمشک، قتل عام روستای "قلاتان"، کشتار سگاران درودواس سار قسمتی ازکارنامه هیئت حاکمه درکشتار سگها!

صفحه ۱۰

تظاهرات پرشکوه کارگران مجتمع فولاد اهواز به پشتیبانی ازکارگران اخراجی

صفحه ۳

نامه ای ازیک سربازکرد

صفحه ۶

اول ماه مه، یازدهم اردیبهشت روز جشن کارگران سراسر جهان را هرچه باشکوهتر برگزار کنیم!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر

قطع رابطهٔ آمریکا با ایران وموضع هیئت حاکمه

کارگران! زحمتکشان! هموطنان مبارز!

روز سه شنبه خبرگزاریها اعلام کردند که کارتر پس از یک جلسه طولانی با شورای امنیت ملی آمریکا، روابط دیپلماتیک بین آمریکا و ایران را قطع کرد.

اما به چه دلیل آمریکا روابط خود را با ایران قطع کرد؟ این اولین سئوالیست که ذهن هرکسی را اشغال میکند. با یدگفت کارتر این تصمیم را در رابطه با وضعیت داخلی آمریکا گرفته است. می دانیم که این روزها جناحهای مختلف امپریالیسم آمریکا درگیر انتخابات ریاست جمهوری هستند ورقبای انتخاباتی کارتر در رابطه با مسئله گروگان های آمریکائی در ایران به اوفشار مأمورند وافکار عمومی آمریکا که با تبلیغات زهرآگین امپریالیستی علیه مردم مبارز مالوده گشته است خواهان حل این مسئله میباشند. کارتر

بقیه درصفحه ۲

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بقیه از صفحه ۱

قطع رابطه ...

که تا بحال تلاش کرده بود روابط اقتصادی و سیاسی خود را با ایران حفظ نماید، و بیش از ۵ ماه (از زمان اشغال لانه جاسوسی تا کنون) توانسته بود این سیاست را همچنان ادامه دهد، درآستانه انتخابات ریاست جمهوری مجبور شد درباره قطع رابطه با ایران تصمیم بگیرد.

قبل از این کارتر هم در پیام خود به آیت الله خمینی و هم در نامه به بنی صدر (که تا بحال منتشر نشده است) خواسته بود که گروگانها تحت نظر شورای انقلاب و دولت ایران قرار بگیرند و بنی صدر نیز از آنجا که خواهان قطع رابطه با آمریکا نیست، تلاش کرد که در این راه به کارتر کمک نماید ولی بدلایل زیر برنامه اش شکست خورد:

۱ - خلقهای ما بدلیل عدم اعتماد لازم به دولت و شورای انقلاب موافق تحویل گروگانها به آنان نیستند.

۲ - آیت الله خمینی روشن کردن وضع گروگانها را بعهده مجلس شورای ملی گذاشته است.

۳ - حزب جمهوری اسلامی با اینکه موافق قطع رابطه با آمریکا نبوده و نیست اما برای اینکه بیش از این در بین مردم رسوا نگردد علیرغم مواضع قبلی خود با بنی صدر همکاری نکرد. بنابراین ضمن پاسخ به این سئوال که چرا آمریکا دست به چنین کاری زده است متوجه میشویم که نه آقای بنی صدر و نه شورای انقلاب و نه دولت هیچکدام خواهان قطع رابطه با آمریکا نبوده و نیستند. آری، آنها که امروز قطع روابط را با مطلاح حثیث می گیرند تا دیروز برای این کار عزا میگرفتند و امروز نیز قلباً عزادارند!

بدین ترتیب با یدگفت که یک بار دیگر امپریالیسم آمریکا در رابطه با منافع داخلی و جهانی خویش همچون دفعه قبل (بلافاصله پس از گروگانگیری جاسوسان) که خرید نفت را قطع کرد، دست به ابتکار عمل جدیدی زده و چرا نزند؟! دولت و شورای انقلاب در مدت بیش از یکسال گذشته آنچنان سیاست غافلانه ای در پیش گرفته اند که دست آمریکا را برای ادامه چنین ابتکاراتی باز گذاشته اند؛ کافی است متذکر شویم که هم اکنون حدود ۸ میلیارد دلار (۵۶/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان)* پول ایران در آمریکا ست و امپریالیسم آمریکا هم اکنون بر آن چنگ انداخته است! بنابراین با توجه به همین نمونه متوجه میشویم که چرا امپریالیسم آمریکا دستش برای اینگونه اقدامات باز است مردم ما حق دارند تمامی کسانی را که به خواست آنها و نیروهای انقلابی میهن بر قطع رابطه سیاسی - اقتصادی - نظامی اعتنائی نکردند - نمی توانستند هم بکنند - موردیا زخواست قرارداده و بپرسند: چرا کاری کردید که سرنوشت این همه ثروت ما بدست آمریکا بیفتد؟ چرا کاری کردید که واردات ما در سال جاری بگفته خودتان افزایش هم یافته است؟ و دهها چرای دیگر و با آنها حق دارند بگویند: آقایان ما را کول نزنید، شما از قطع رابطه آمریکا با ایران خوشحال که نیستید هیچ، بلکه عزادار هم هستید. این را قیافه هایتان حتی در تلویزیون نیز نشان میدهد! شما که تا همین چند روز پیش پیام کارتر یعنی دشمن غدار خلقهای ما را به آیت الله خمینی یک پیروزی دانستید نمی توانید امروز خودرا "ضد امپریالیست" قلمداد کنید. آری آقایان شما رسوا تر از این هستید. وقتی آقای قطب زاده میگوید این عمل از جانب آمریکا "شایسته" بوده است یعنی همین، یعنی اینکه ما موافق قطع رابطه نبودیم. مردم آزاده ما، کارگران ما، دهقانان ما، و سایر خلقهای ما طرفدار قطع رابطه با آمریکا و مبارزه جدی و بی امان علیه امپریالیسم هستند. آنها حاضرند گرسنه بخوابند و تن به تمامی مشقات بدهند، اسلحه بدست گیرند و علیه امپریالیسم و تمامی حامیان داخلی او بجنگند اما تن به سلطه و ستم امپریالیستی ندهند. اما شما آقایان "شورای انقلاب" و شما آقای بنی صدر که حتی یک قرارداد امپریالیستی را در پیش توده های ما افشا نمائید، چنین نمیشید. و در مقابل ادامه مبارزه دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای ما سد ایجاد کردید. آری، مردم آگاه ما خوب میدانند که چگونه پس از قیام "دولت بازرگان" و "شورای انقلاب" تلاش کردند، مردم ما را علیه کمونیست ها، این دشمنان پیگیر و آشتی ناپذیر امپریالیسم بسیج سازند و با آنها را به جنگ با طلاح "کفار" درگردستان بفرستند و روز دیگر آنان را به ترکمن صحرا بکشند تا روز روی برادران و خواهرانشان قرار بگیرند. اما علیرغم تمامی این تلاشها و به بیراهه کشاندن نیروی مبارز توده ها، نیروی توده های ما علیه امپریالیسم بیکار نمیکشد. آینده مبارزه آنها آنچنان که توده داران [illegible] میخواهند فقط در سطح شعارهائی نمی ماند بلکه آنها هرجا بتوانند علیه [illegible] امپریالیسم یعنی سرمایه داران وابسته، یعنی سرمایه داران بزرگ (البته اگر) یعنی فرمانده ان مزدور یعنی خائنها و مرتجعین محلی مبارزه [illegible] مبارزات درست همان جهاشی [illegible]

بقیه از صفحه ۱

مبارزه ...

آمریکا همان سیاستی را در پیش گرفته که بازرگان در پیش گرفته بود. این سیاست راه سازش با امپریالیسم آمریکاست. راهی که نمی خواهد و نمی تواند نفوذ امپریالیسم آمریکا در ایران را نابود کند. عدم الغای هزاران قرارداد ننگ می، اقتصادی و سیاسی با آمریکا نشان دهنده ماهیت ارتجاعی دولت بنی صدر می باشد.

بعد اینکه، بنی صدر در گفته فوق در ابتدا بطور ضمنی می خواهد بگوید که "سیاست من" این نمی باشد که ژاپن و اروپا را وارد ایران کنم. ولی در جمله دوم او بطور موذیانه ای می گوید: ژاپن و اروپا نمی توانند بر قدرت بشوند (؟) و سپس بنی صدر می خواهد نتیجه بگیرد که چنانچه این کشورها در ایران نفوذ داشته باشند، ایرادی ندارد چون آنها نمی توانند بر قدرت بشوند!

گویا امپریالیستهای ژاپنی و اروپائی چون ابرقدرت نیستند امپریالیست نیز نمیباشند، و بنابراین می توانند "میهمان" ایران باشند. گویا آنان سهم خود خلقهای ایران و جهان را استثمار و سرکوب نمی کنند. زهی بیشرمی!

امپریالیسم ژاپن متحد امپریالیسم آمریکاست و سرمایه های ژاپنی با سرمایه های آمریکائی در چهارچوب شرکتهای چند ملیتی نیز متحدند، ولی بنی صدر همین کشور امپریالیستی را بزک می کند و می گوید او را باید مورد تقلید قرار داد. او دکترین تبلیغات ارتجاعی بنفع ژاپن اجازه میدهد تا امپریالیسم ژاپن بیش از پیش خلقهای ما را غارت کند. نمونه هائی از چپاول شروتهای میهن ما توسط ژاپن از این قرارند:

- ژاپن ۱۰ درصد از نفت مورد نیاز خود را از ایران تامین می کند.

- شرکت تولیدی کفش "اتا فوکو" که یک شرکت ژاپنی است و دارای هیئت مدیره ای میباشد که اکثریت آن ژاپنی می باشد، به غارت خلق ما مشغول است.

- در بیانیه ای که توسط "گروهی از کارکنان شرکت مخابرات ایران" در ۵۸/۱۲/۹ منتشر شد چنین آمده است: "کارخانه ای در شیراز که قادر به ساختن قسمتی از لوازم مورد نیاز شرکت (مخابرات) بوده و با توسعه آن قادر است بخش بیشتری از احتیاجات داخلی را تامین کند، از توسعه آن جلوگیری شد و لی مشابه لوازم تولیدی همین کارخانه از ژاپن وارد می گردد".

- کارشناسان ژاپنی دوباره به ایران باز گشته اند و کارهای مجتمع عظیم پتروشیمی ایران و ژاپن را از سر گرفته اند. دولت ژاپن ۲۰ میلیارد "ین" (حدوداً ۶۰۰ میلیون تومان) وام به شرکت ژاپنی طرف قرارداد پرداخته و با نگذاران ژاپنی نیز برای بررسی میزان "وام" به ایران آمدند.

بنابراین می بینیم که خیانت بنی صدر تا کجاست. او هم اجازه میدهد تا امپریالیستها و از جمله ژاپن ایران را غارت کنند و هم به مردم ما وقیحانه پیشنهاد می کند تا از امپریالیسم تقلید کنند. ولی مردم ما دیگر آگاه شده و دیگر نه سلطه امپریالیستها را تحمل خواهند کرد و نه این همه خیانت را.

راه بنی صدر راه بازرگان است

● گویا امپریالیستهای ژاپنی و اروپائی چون ابرقدرت نیستند امپریالیست نیز نمیباشند، و بنابراین می‌توانند "میهمان" ایران باشند. گویا آنان سهم خود خلقهای ایران و جهان را استثمار و سرکوب نمی کنند. زهی بیشرمی!

● امپریالیسم ژاپن متحد امپریالیسم آمریکاست و سرمایه های ژاپنی با سرمایه های آمریکائی در چهارچوب شرکتهای چند ملیتی نیز متحدند، ولی بنی صدر همین کشور امپریالیستی را بزک می‌کند و می گوید او را باید مورد تقلید قرار داد. او دکترین تبلیغات ارتجاعی بنفع ژاپن اجازه میدهد تا امپریالیسم ژاپن بیش از پیش خلقهای ما را غارت کند.

کند، امپریالیسم ژاپن را نمونه برای "تقلید" در نظر می گیرد. بنی صدر می گوید:

"بجای اینکه از شیوه زندگی آمریکائی تقلید کنیم و این وابستگی فرهنگی را ادامه بدهیم، از شیوه زندگی ژاپنی تقلید کنیم. سیستم یک ژاپنی چقدر مصرف می کند و چقدر تولید می نماید. در حالیکه این کشور هیچ منابعی ندارد و همه مواد اولیه خود را از نقاط دیگر دنیا وارد می کند. با این همه، ژاپن با آن جمعیت عظیم خود سومی از اقتصاد دنیا است و از بسیاری جهات اگر کمیت را کنار بگذاریم، از نظر کیفیت اولین اقتصاد روی زمین را دارا است".

(اطلاعات، ۵۹/۱/۱۸)

غارت خلق ما توسط امپریالیسم ژاپن

بنی صدر یک کلام نمی گوید که ژاپن یک کشور امپریالیست و حامی خواران است. او یک کلام نمی گوید که ژاپن مواد اولیه خود را از خلقهای دیگر غارت می کند، او آگاهانه ماهیت بورژوازی امپریالیست ژاپن را پنهان می کند، تا توده های مردم را بفریبد و برای نفوذ بیشتر امپریالیستها در ایران زمینه ذهنی فراهم سازد. امپریالیسم ژاپن متحد امپریالیسم آمریکاست و سرمایه های ژاپنی با سرمایه های آمریکائی در چهارچوب شرکت های چند ملیتی نیز متحدند. ولی بنی صدر همین کشور امپریالیستی را بزک می کند و می گوید او را باید مورد تقلید قرار داد. او در کنار این تبلیغات ارتجاعی بنفع ژاپن اجازه می دهد تا امپریالیسم ژاپن بیش از پیش خلقهای ما را غارت کند. نمونه هائی از چپاول شروتهای میهن ما توسط ژاپن از این قرارند:

- ژاپن ۱۰ درصد از نفت مورد نیاز خود را از ایران تامین می کند.

- شرکت تولیدی کفش "اتا فوکو" که یک شرکت ژاپنی است و دارای هیئت مدیره ای میباشد که اکثریت آن ژاپنی می باشد، به غارت خلق ما مشغول است.

- در بیانیه ای که توسط "گروهی از کارکنان شرکت مخابرات ایران" در ۵۸/۱۲/۹ منتشر شد چنین آمده است: "کارخانه ای در شیراز که قادر به ساختن قسمتی از لوازم مورد نیاز شرکت (مخابرات) بوده و با توسعه آن قادر است بخش بیشتری از احتیاجات داخلی را تامین کند، از توسعه آن جلوگیری شد و لی مشابه لوازم تولیدی همین کارخانه از ژاپن وارد می گردد".

- کارشناسان ژاپنی دوباره به ایران باز گشته اند و کارهای مجتمع عظیم پتروشیمی ایران و ژاپن را از سر گرفته اند. دولت ژاپن ۲۰ میلیارد "ین" (حدوداً ۶۰۰ میلیون تومان) وام به شرکت ژاپنی طرف قرارداد پرداخته و با نگذاران ژاپنی نیز برای بررسی میزان "وام" به ایران آمدند.

بنابراین می بینیم که خیانت بنی صدر تا کجاست. او هم اجازه میدهد تا امپریالیستها و از جمله ژاپن ایران را غارت کنند و هم به مردم ما وقیحانه پیشنهاد می کند تا از امپریالیسم تقلید کنند. ولی مردم ما دیگر آگاه شده و دیگر نه سلطه امپریالیستها را تحمل خواهند کرد و نه این همه خیانت را.

راه بنی صدر راه بازرگان است

آقای بنی صدر و شورای انقلاب را ناراحت میکند. آنچنانکه حتی قطع رابطه آمریکا با ایران را نیز سهانه و وسیله ای برای به اجرا درآوردن سیاست ۳ منت برای سرمایه مینمایند.

مصاحبه دیشب (۵۹/۱/۱۹) رئیس جمهوری و گفته های سخنگوی شورای انقلاب هر ایرانی مبارز را به یاد مثل "دم خروس بی قسم حضرت عباس" می اندازد. از یک طرف آقای بنی صدر در رابطه با قطع رابطه آمریکا با ایران اعلام میکرد "تصمیم به مقاومت گرفتم" میخواهم از زیر امپریالیسم رها کردیم و خیلی هم خوب شد که قطع رابطه شد (البته اینان تا همین پریروز چیزهای دیگری می گفتند!) و ... از طرف دیگر میگویند با توجه به قطع رابطه با آمریکا و درگیری با عراق دیگر احتیاجی به اعتصاب! شورای شورا، تحصن بی تحصن و خلاصه مبارزه بی مبارزه! آقای بنی صدر میگویند که "کارگران فقط باید تولید کنند و تولید کنند" و بعد هم اسم این را می گذارند مبارزه در مقابل امپریالیسم! بجای کارگرانی که خواهان قطع رابطه با امپریالیسم هستند (و در جاهائی نظیر برخی شرکتهای نفتی و ... بسر در حدیکه میخواستند خود را علنی کرده اند) اخلالگرند. کارگرانی که سرمایه داران وابسته و بزرگ را که با دربار [illegible] و هر از گاه میل و امپریالیسم را بطه داشته و دارند، که کارخانه را [illegible] و بطور روزمره [illegible] امپریالیسم مبارزه می کنند اخلالگرند [illegible] که میگویند کاری به این

سرمایه دار نداشته باشید ضد امپریالیست! کارگرانی که برای گرفتن بخشی از حقوق خود با سرمایه داران درمی افتند، "اخلالگرند" و حامیان سرمایه داران یعنی امثال آقای بنی صدر ضد امپریالیست! از نظر "شورای انقلاب" و آقای بنی صدر، دهقانانی که علیه زمین داران مبارزه میکنند نظامیانی که علیه فرماندهان مزدور مبارزه می کنند و ... همه "اخلالگرند" اما زمین داران و فرماندهان مزدور ارتش شاهنشاهی که امروز فرمان ارتش را بدست دارند ضد امپریالیست!

آقای بنی صدر در مصاحبه دیشب خود بار دیگر به مسئله خلع سلاح نیروهای انقلابی اشاره کرد و مدعی شد که این کار برای مبارزه با امپریالیسم لازم است!

آری از نظر ایشان باید سلاح از دست خلقهای کرد و ترکمن که در عمل علیه امپریالیسم و پایگاه داخلی آن (یعنی زمینداران بزرگ و خانها، و سرمایه داران وابسته و بزرگ) میرزمند گرفته شود و بدست نیمساران شاهنشاهی امثال فلاحی و باقری و یا حامیان امپریالیسم نظیر چمران قرار بگیرد. همینطور از نظر ایشان باید فرزندان انقلابی خلق که دیروز پیگیری خود را در مبارزه با امپریالیسم نشان داده اند و امروز نیز در کنار خلق خود برای تحقق اهداف دمکراتیک و ضد امپریالیستی انقلاب و برای آرمانهای زحمتکشان به پیکار خود ادامه میدهند خلع سلاح گردند و بجای آنها

بقیه در صفحه ۱۱

---

* - به نرخ رسمی، و گرنه نرخ بازار حدود ۱/۵ برابر این مبلغ است.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر
www.peykar.org

تظاهرات پرشکوه کارگران مجتمع صنایع فولاد به پشتیبانی از کارگران اخراجی

اهواز

روزدوشنبه ۵۹/۱/۱۸ بدعوت کارگران مبارزشرکت ملی پروژه‌ای،بمنظورمحکوم کردن اعمال ضدکارگری مقامات مسئول در موردا خراج کارگران مبارزوایجادوحشت و ترورد رشرکت ملی پروژه‌ای،راه‌پیمائی با شکوهی ازفلکه‌زیتون کارگری آغازشد. در این روزبا ردیگرکارگران باصفوف فشرده ومتشکل خودسطح عالیتری ازرشدآگاهی و مبارزهٔ طبقاتی کارگران ایران را به نمایش گذاشتند.

مسیرراه‌پیمائی عبارت بودا ز: فلکه زیتون کارگری،دروازه،عامری،۲۴ متری و فلکه .درطول راه‌پیمائی کارگران،زحمتکشان وروشنفکران انقلابی دست دردست هم با شعارهای کوبنده‌ای نظیر:

"ازکارگراخراجی تاپای جان حمایت می کنیم"،"شرکتهای پیمانی ملی باید گردد"، کارگرپیمانی رسمی بایدگردد"، "کارگر،کارگرستون انقلاب است ،سرمایه‌دار خونخوارد شمن انقلاب است"،"خارقانی افسرستو،افشاء بایدگردد،اخراج باید گردد"،"شورای کارگری تحکیم باید گردد"، "دولت سرمایه‌دارد شمن زحمتکشان،رهبری کارگر،نجات زحمتکشان"،"به‌تصمیم‌کارگران به‌قدرت اتحاد،اخراج کارگران،الغاء باید گردد"،"به‌خواست کارگران،بقدرت اتحاد خارقانی مزدور،اخراج بایدگردد"،"کارگران اتحاد،اتحاد علیه امپریالیسم،علیه ارتجاع"، "سرمایه‌دارخونخوارازقدرت اتحاد،میترسد می لرزد"،"برادراخراجی،کارگرمبارز،کار کارحق توست ،سرمایه‌دارجانی دشمن خون‌خوارتوست"،"سرمایه‌وابسته‌بدست زحمت‌کشان،بنفع زحمتکشان،ملی باید گردد"، "اتحاد،آگاهی،تشکل،سلاح کارگران است" و... توطئه‌های هیئت حاکمه رادرموراخراج کارگران مبارزمحکوم‌کردند.دراین تظاهرات باشکوه‌پلاکاردهائی با مضامین زیرچشم میخورد:

- اخراج کارگران مبارزشرکت ملی پروژه‌ای توطئه‌سرمایه‌داران است
- تابرگشتن کارگران اخراجی برسرکار و رسیدن به‌تمامی خواستهایمان دست از مبارزه نمی کنیم.

.....

هیئت حاکمه‌ایران تاکنون درعمل نشان داده‌که‌برخلاف ادعای ظاهریش، مخالف امپریالیستها ووابستگان آنها نبوده‌وحاضر است بخاطرحفظ منافع شرکتهای چندملیتی امپریالیستی ،به‌سرکوب واخراج کارگران دست بزند .یعنی درحالیکه‌کارگران انقلابی وقهرمان شرکت ملی پروژه‌ای باخواستهای زیر:

- لغوقراردادستارتیارفاستروبلسر - تهرانجنوب باصنایع فولاد،
- رسمی شدن کلیه‌کارگران پیمانی،
- ملی کردن شرکتهای پیمانی وتاسیس شرکت ملی پروژه‌ای،

که‌پایه‌های شرکتهای امپریالیستی را در ایران نشانه‌می گیرددست به‌اعتصاب زده بودند ،هیئت حاکمه‌با توطئه‌کارگران مبارز ودلیرواخراج کرده‌وهرروزهم‌لیست تازه‌ای ازاخراجیها منتشرمی کند.

درجریان راه‌پیمائی روزدوشنبه ،حدود ۲۰ نفرحزب‌اللهی !!بوضع مفتضحی وبا شعارهائی ازقبیل،حزب فقط حزب‌الله‌رهبر فقط روح‌الله‌کوشیدندمانع راه‌پیمائی شوندولی دربرابرصف متشکل حدود۲۰۰۰ نفر ازراه‌پیمایان چه‌می توانستندبکنند ؟! آنها مذبوحانه‌سعی میکردندمردم‌اطراف مسیر رابخودبلحق کنندولی موفق نمی شدند!

سرانجام‌درخیابان عامری باچنوب، چماق وسنگ به‌صفوف تظاهرکنندگان حمله کردندکه‌طی آن یک پسربچه۱۰ ساله‌زخمی شد. پس‌ازاین حمله،تظاهرات تاخیابان ۲۴ متری ادامه‌یافت که‌طی آن تبزئه صفوف تظاهرکنندگان حمله‌شدوباسداران سرمایه با تیراندازی هوائی پشتیبانی خود را از حزب‌اللهی ها اعلام‌کرده‌وسعی می کردند از طریق ایجادوحشت مردم‌را متفرق کنند. در جریان این حمله‌یکنفرازناحیه‌سرمجروح و به‌بیمارستان منتقل گردید.

درپایان راه‌پیمائی قطعنامه‌آن پخش شده‌درزیرقسمتهائی ازآنرا ملاحظه‌میکنید:

"ماکارگران شرکت ملی پروژه‌ای قاطعانه اعلام‌می داریم‌کارگران اخراج شده که از بهترین یاران وهمرزمان مادرسنگرمبارزه طبقاتی علیه‌سرمایه‌داران وابسته‌وامپریالیسم‌حامی آنان هستندتاآخرمورد حمایت وپشتیبانی ما می باشند.....

مبارزه‌ما برای بازگرداندن کارگران اخراجی،ازمبارزه‌برای خواستهایمان جدا نیست .این مبارزه‌فقط جزئی کوچک ازنبردمان با سرمایه‌داران وابسته‌وامپریالیسم‌میباشد. باصدای رسا می کوشیم‌تاسیستم‌سرمایه داری

بقیه در صفحه ۴

مبارزهٔ کارگران کارخانهٔ ایرداک (تبریز) و توطئه های مقامات دولتی

کارگران کارخانه ایرداک سرسر (که ۲۵۰ نفرهستند)درتاریخ ۵۹/۱/۱۷ ضمن امضاءاعلامیه‌ای ازتوطئه‌های مسئولین دولتی پرده‌برداشته‌اند .آنان که‌ازتاریخ ۵۹/۱/۷ دست ازکارکشیده‌اند .دراین اعلامیه گفته‌اندکه‌مدیریت کارخانه‌بجای پاسخ به درخواستهای بحق آنان کارخانه‌را تعطیل کرده‌است .ودرپی اخراج کارگران مبارز می باشد .آنان سپس درخواستهای خودرا به شرح زیرعنوان ساخته‌اند:

۱ - تعطیل روزهای پنجشنبه (بعلت ازبین بردن شعبعضات باکارخانه‌های دیگر).
۲ - پرداخت باقی مانده‌سودویژه.
۳ - پرداخت عیدی سالانه‌مانندسایرکارخانجات.
۴ - پیاده‌کردن طرح طبقه‌بندی مشاغل (برای ازبین بردن تبعیض بین‌کارگران) لازم‌به‌تذکراست که‌درادامه‌مبارزات کارگران یکی ازاعضای شورادرتاریخ ۵۹/۱/۱۷ دستگیرمی شود.

دررابطه‌باسازش‌کارگران ایرداک کارگران مبارزتبریزدرتاریخ ۵۹/۱/۲۳ اطلاعیه‌ای منتشرساخته‌ودرآن ازروبهای توطئه‌گرانه‌وضدکارگری مقامات دولتی پرده برداشته‌اندکه‌درزیرقسمتهائی از این اعلامیه‌رامی خوانید:

با پشتیبانی ازآزادی کارگران زندانی کارخانه‌ایرداک تبریزبرتوطئه‌رژیم رافشا نماییم:

درمقابله‌باجنبش سراسری ورندبابنده طبقه‌کارگروپس ازدرماسیای نوروزی هیئت حاکمه‌برای سرکوب طبقه‌کارگر ،زحمتکشان وخلقهای تحت ستم‌ونیروهای انقلابی اینک رژیم‌دست به‌شیوهٔ جدیدی برای سرکوب مبارزه‌طبقه‌کارگرزده‌است واین شیوه‌درمقابله با اعتصاب ،تحصن ومبارزه‌کارگرانی است که‌خواستارتحقق ازحقوق خودهستند.

تعطیل کارخانه ،انحلال شوراهای مترقی وتصفیه‌واخراج کارگران مبارزمی باشد. البته‌این شیوه‌برای کارگران تاحدودی شناخته‌شده‌است چراکه‌رژیم‌های سرمایه‌داری رژیم‌شاه‌خائن تبزئه‌این شیوه‌هادست می زدند .ماکارگران تاهدچمین تعطیل هائی درکارخانه‌های زیادی چون ماشین سازی، تراکتورسازی و...درزمان شاه‌بوده‌ایم.

اینک‌این شیوه‌بعدازتعطیل کارخانه چوکادرگیلان ومحاصره‌آن بوسیله‌پاسداران و... درکارخانه‌ایرداک تبریزپیاده شده است....

(پس‌ازدستگیری یکی ازاعضای شورا) توسط پاسداران عده‌ای ازکارگران به استانداری وسایرمسئولین مراجعه می نمایند .درجواب کارگران گفته‌میشود: پس فردا شما یکارخانه‌برگردیدبه‌غیراز ضد انقلابی ها (اعضای شوراوکارگران مبارز) دراین موقع یکی ازکارگران اعتراض‌نموده میگویدآیاشما ضدانقلاب نیستند .آنها حق ما را می گویندومیخواهند ،ضدانقلاب آن کسانی هستندکه‌درقبال خواستهای برحق کارگران اخلال میکنندوکارخانه‌را تعطیل میکنند.

بدنبال این جریان درتاریخ ۵۹/۱/۱۸ دراطاق صنایع وکمترش مدیریت کارخانه ونمایندگان مسئول استان وسرپرست آن کارخانه‌جلسه‌ای تشکیل میدهند .در مورد بازگشائی کارخانه‌به‌توافق زیرمیرسند:

۱ - شورا باید منحل شود.
۲ - اداره‌کارخانه‌توسط سرپرستان
۳ - به‌سرپرستان حق کنترل وحق تنبیه و تشویق کارگران داده‌میشود.
۴ - مدیریت حق تنبیه وباتشویق سرپرستان رادارد.
۵ - تصفیه‌کارخانه‌ازعناصرضدانقلاب(اعضای شوراوکارگران آگاه‌ومبارز)

بدنبال این جریان کارگران درمورخه ۵۹/۱/۲۰ درمحوطه‌کارخانه‌حاضرشده‌باصف مستقربا سداران روبرومیشوند وعده‌تن دیگراز اهالی مبارزرابعنوان ضدانقلاب وخلاگر دستگیروروانه‌زندان کرده‌که۲ نفرازاین ۶ تن عضوشوراوجهارنفردیگرازکارگران مبارزمی باشند.

کارگران، زحمتکشان!

چرارژیم‌جمهوری اسلامی شوراهارا ضد انقلابی خوانده‌آنها را منحل میکند؟ چرا کارگران مبارزرادستگیروزندانی میکند زیراکه‌این شوراها وکارگران نمیخواهند مطابق میل سرمایه‌داران استثمارشوند و این رژیم‌درصددتثبیت سیستم‌سرمایه‌داری وابسته‌است ،یعنی قدرتیزپس‌از به قدرت رسیدن با سرکوب شوراودرترکمن وکردستان، انحلال شوراهای کارگری،پرسنل انقلابی ارتش و... چهارنعل بسمت تثبیت سیستم سرمایه‌داری وابسته‌پیش می رود...

کارگران،زحمتکشان ،توده‌های مبارز

با پشتیبانی کامل ازآزادی زندانیان کارگران مبارزکارخانه‌ایرداک ،حقانیت خواسته‌های آنها وتوطئه‌سراسری تعطیل کارخانه‌ها وانحلال شوراها ودستگیری کارگران مبارزرابه‌سایرکارگران وزحمتکشان توضیح دهیم .ازطریق شوراهای کارگری واقعی وباتحدشدن ازطریق این شوراء، توطئه‌تعطیل کارخانجات، انحلال شوراها واخراج کارگران مبارزرانقش برآب کنیم.

اطلاعیه‌سپس برای آزادی زندانیان از کلیه‌کارگران واقشارونیروهای حامی طبقه کارگر کمک خواسته است.

★ ★ ★

هشدار!

بدنبال خواستهای بحق کارگران خانه‌سازی ایرداک - یکماه‌عیدیانه (کارخانجات دیگرپرداخت شده)باقیمانده‌سود ویژه - تعطیلی پنجشنبه‌ها (مثل سایرکارخانجات دولتی)وطبقه‌بندی مشاغل - وجواب ردودولت به‌این خواستهاکارگران دست به‌اعتصاب زدند .اینک دولت حامی مستضعفین(!) بجای دادن حقوق مسلم‌کارگران کارخانه‌را تعطیل اعلام کرده‌است.

←

پیش بسوی ایجاد حزب طبقهٔ کارگر

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

تعطیل کارخانه (مثل تعطیل کارخانه جوکای گیلان و ...) توطئه ایست برای اخراج کارگران مبارز و آگاه تا با سرکوب مبارزه کارگران از رسیدن آنها به حقوق مسلم خود جلوگیری نمایند و کارخانه را مطابق میل سرمایه‌داران براه اندازند.

کارگران! زحمتکشان! توده‌های مبارز! با پشتیبانی از کارگران ایرداک:

۱ - توضیح حقانیت خواستهای آنها و توطئه سراسری تعطیل کارخانه‌ها بسا پیکار - گران و زحمتکشان.

۲ - همبستگی مستقل از طریق سوراهای کارگری و ... (حمایت مادی در صورت خواست کارگران).

تنها راه این توطئه سراسری به ثمر رسیده و از این پس اسلحه‌ای بود در دست سرمایه - داران و دولت حامی آنها برای سرکوب طبقه کارگر.

مستحکم باد اتحاد و همبستگی کارگران و زحمتکشان

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر (کمیته آذربایجان)

۵۹/۱/۱۷

نگاهی به مبارزات پرشکوه کارگران کارخانه مینو و درسهای آن (۲)

درشماره قبل پیکار (۴۹) قسمتی از گزارش مبارزات کارگران مینو را درج نمودیم، در این شماره دنباله آنرا ملاحظه می کنید

شنبه ۵۸/۱۲/۴

ششمین روز گروگانگیری

در این روز از صبح گزارش جریانات شب گذشته به اطلاع کارگران رسید و اسنادی که از اتاق کارفرما بدست آمده بود افشاء شد. در ضمن از طرف دفترهماهنگی تصمیم گرفته شد کارگران را در دسته‌های ده بیست نفری به ادارات مختلف بفرستند، سه مینی بوس به سه جای مختلف، یعنی شورای انقلاب، دادستانی انقلاب و وزارت کار فرستاده شدند. این کار حسن بزرگی داشت و آن اینکه کارگران از نزدیک با مقامات دولتی برخورد کرده و ماهیت ضدکارگری آنها را درک میکردند. همچنین از طرف دفترهماهنگی، کارگرانی به سایر کارخانه‌ها اعزام شدند تا آنها را در جریان مبارزه کارخانه مینو قرار دهند.

در این روز از طرف ۲۵۰ نفر از نمایندگان کارگاه ۱ و ۳، شورای کارگاه متروکارگاه ساختمانی پل سنگ سنندج، کارگران قرقره و تخ زرین پیام همبستگی دریافت شده که از پشت بلندگو اعلام گردید.

همچنین در این روز از طرف دفترهماهنگی چندتن از کارگران به قسمتهای مختلف فرستاده شدند تا از نزدیک با کارگران صحبت کرده و آنان را در جریان وقایع اتفاق افتاده قرار دهند. این عمل بیشتر از آنجهت صورت گرفت که در بعضی قسمتها عوامل کارفرما برطبق نقشه‌ای حساب شده شروع به توطئه چینی کرده و نسبت به افراد فعال دفتر هماهنگی سعایت می میکردند.

حوالی ظهر چند نفر از طرف دادستانی کل به کارخانه آمدند. در مذاکراتی که با حضور هیئت مدیره سابق کارخانه و کارگران و نمایندگان دادستانی و ... بعمل آمد و راجع به چهار خواسته کارگران توافقنامه‌ای نوشته شد، که در نوشتن آن هیئت مدیره سابق سهم موثری داشتند. در این توافقنامه بطور کلی با خواستهای کارگران موافقت شد، اما همه اختیارات بدست دادستانی داده میشد، بهمین جهت با اعتراض شدید برخی از اعضای دفترهماهنگی روبرو شد، آنها مطرح میکردند:

۱ - چون این توافقنامه با اشرگذاری هیئت مدیره سابق نوشته شده و آنها با زیاد لاد خالت کرده‌اند، مورد قبول ما نیست آنان دارند مبارزه ما را به سازش می کشند.

۲ - هرتوافقنامه‌ای باید به تائید کارگران کارخانه برسد و ما وکیل وقیم کارگران نیستیم که بجای آنها تصمیم بگیریم.

۳ - این توافقنامه هیچگونه ضمانت اجرائی نداشته و ما مریض وقیچی بدست دادستان انقلاب سپرده میشود و نقش ما کارگران در آن نادیده گرفته شده است.

۴ - در مورد رسیدگی به اموال و دارائیهای خسروشاهی باید قید شود که هیئتی مرکب از نمایندگان کارگران در این کار نظارت داشته باشند.

۵ - در توافقنامه باید قید شود که برای پرداخت پول یک چک تضمین شده که از اعتبار آن مطمئن باشیم و دستانی آنرا امضا نشده کند از طرف کارفرما ما درگردد.

۶ - در توافقنامه باید قید شود که در رابطه با این ماجراکسی را دستگیر و یا بازداشت ننمایند.

یکشنبه ۵۸/۱۲/۵

در این روز به کارگران شیکاگو روز کار از طریق بلندگو اطلاع داده شده که بمنظور در جریان کارها قرار گرفتن همه کارگران مجمع عمومی برگزار است.

در این مجمع عمومی با افشای توافق - نامه، کارگران انتقادات دفترهماهنگی را مورد تائید قرار دادند، در ضمن سخنرانان علاوه بر افشای توافقنامه در باره مسئله دولتی شدن کارخانه که عوامل کارفرما علیه آن تبلیغ میکردند، نیز تاکید نمودند.

کارگران باید بدانند دولتی که اینهمه سنگ حمایت مستضعفین را به سینه میزند و در عمل ثابت کرده که نیست، هنگامیکه خود اداره امور کارخانه را بعهده میگیرد چه خواهد کرد! در آنصورت با مخالفت رودررو با خواستهای برحق کارگران و سرکوب آنها، ماهیت ضدکارگریش حتی به ناآگاه‌ترین کارگران هم ثابت خواهد شد.

در طی این هفت روز کارگران، با پول خود برای گروگانها غذا و میوه می خریدند، با گروگانها مودبانه رفتار می شد و تنی چند از کارگران از طرف دفترهماهنگی بعنوان پای ثابت جلسات همیشه در مذاکره حضور داشتند تا رشته صحبت از دست نرود. در ضمن مرتبا کارگرانی که برای صحبت با خسروشاهی می آمدند تعویض می شدند تا تعداد بیشتری از کارگران از ماهیت ضدکارگر آگاه شوند. کارگران زن نیز در جلسات شرکت می کردند و این اواخر خسروشاهی از بذیرفتن کارگران زن خودداری می کرد. بعدا ظهر این روز بناگاه متوجه شدیم که کارخانه در محاصره پاسداران است. دهها پاسدار مسلح در ماشین های استیشن، جیپ و شورلت جلو کارخانه و پشت آن را در محاصره گرفته بودند. بلافاصله از پشت بلندگو خبر داده شد و تمام کارگران دست از کار کشیده و در مناطق قابل نفوذ اجتماع کردند. کارگران در فاصله کوتاهی سرتاسر دیوار کارخانه با رودر بایستی روی هم حلقه کرده و صفی استوار از گوشت و خون در برابر پاسداران سرمایه ایجاد کردند، صفی آهنین که هیچکس را یارای عبور از آن نبود. مگر آنکه از روی نعش کارگران بگذرد. پاسدارها به کارگران مدتی گفتند: "ما برای حفاظت از شما آمده‌ایم!!" و کارگران جواب می دادند: "برای حفاظت از ما نه، برای حفاظت از سرمایه داران آمده‌اید".

فرمانده پاسداران کمیته مرکزی شخصی بود بنام رحیمی که با یک پاسدار دیگر بعد از تحویل دادن اسلحه به کارگران بدون کارخانه آمدند. رحیمی بعد از روضه خوانی مفصلی حکمی از جیبش درآورد و خواند که محتوایش چنین بود:

"بموجب این حکم به کارکنان گروه صنعتی پارس مینو اخطار می شود تا دو ساعت دیگر گروگانها را آزاد کنند، در غیر اینصورت نیروهای انتظامی موظفند به هر ترتیبی که شده گروگانها را آزاد کنند و محرکین تحت تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت".

زیر حکم مهر و امضای، شورای انقلاب، دادستانی کل انقلاب، کمیته مرکزی مهدوی کنی و بنی صدر بچشم می خورد!

این حکم به چه معنی بود؟: حکم مذکور یعنی، پاسخ هیئت حاکمه ایران به خواستهای کارگران سرکوب است! حکم مذکور یعنی هیئت حاکمه ایران ضدکارگر است! آنها نه تنها کارگران را سرکوب می کنند، بلکه دست به کشتار خلق کرد، خلق ترکمن، خلق بلوچ و خلق عرب نیز زده و می زنند و کارگران نیز بیش از پیش این را درک می کردند!

دفترهماهنگی هنگام پایان وقت کار به کارگران گفت که آنها شبی که می خواهند به خانه‌هایشان بروند می توانند بروند. اما بیش از نصف سرویس‌هائی که رفته بودند از بین راه بازگشتند. آنها می گفتند ما هیچگاه همکاران مبارزمان را در مقابل یورش پاسداران تنها نخواهیم گذاشت.

کارگران آنروز چوب و لاستیک آماده کرده بودند تا در مقابل گاز اشک آور و تیر دستی بتن آماده باشند. آنروز کارگران بیزبن، شیشه و روغن آماده کرده بودند. آنروز کارگران کوکتل مولوتف درست کرده بودند تا در صورت جمله مقابله کنند! آری آنروز سطح بالای مبارزات کارگران ایران که بطور خودبخودی دست به مقاومت مسلحانه می زنند، بنمایش گذاشته شد. کارگران هنگامیکه از پیش پاسداران دمی شدند به آنان می گفتند: ما خودمان این اسلحه‌ها را دست شما دادیم و خودما نیز آنرا از شما پس خواهیم گرفت! رحیمی که روحیه رزمندگی کارگران را اینچنین دید با وساطت ظاهری یکنفر از خودشان موافقت کرد برود و تا ۲۴ ساعت دیگر بیاید. بدین ترتیب پاسدارها آزمخاصره کارخانه دست برداشتند و رفتند. ولی بزودی کارگران فهمیدند که تعداد زیادی از ماشینهای پاسداران در درون جنگل کنار جاده اتوبان مخفی شده‌اند آنشب تا صبح کارگران بیدار بودند.

آنشب تعدادی از کارگران زن می - خواستند هدوش برادران کارگر خود بمانند و در مبارزه شرکت کنند. از طرف دفترهماهنگی ضمن اینکه به آنان گفته شد که در مورد شرکت دادن زنان در مبارزه کم کاری شده است به آنان گفته شد که اینکار درست نیست و شما در طی روزی تواتیبا ما همکاری کنید.

آنشب سرد، آنشب سرد زمستانی که برف می بارید و سوز و سرما بیداد می کرد، کارگران مبارز کارخانه مینو تا صبح بیدار ماندند و پرچم مبارزه طبقاتی را استوار برافراشته داشتند. آنشب تمام نقاط حساس کارخانه با تعداد بیشتری از کارگران مراقبت میشد، آن شب حماسه‌ای دیگر در تاریخ خونین جنبش کارگری ایران به ثبت رسید.

★ ★ ★

برخی از افراد دفترهماهنگی روحیه‌شان ضعیف شده بود، آنها امیر را دادند که هرچه زودتر این وضع خاتمه یابد. آنان برای جانبازی در راه آرمان طبقه کارگر آماده نبودند و بیشتر حفظ خود برایشان مطرح بود. اینان همان افرادی بودند که همواره در شورا کارها را از بالا حل وفصل می کردند و در مجمع عمومی عوامل کارفرما را می بخشیدند، در روزهای گروگانگیری دور از چشم دفترهماهنگی با کارمندان و هیئت مدیره سابق و عوامل کارفرما جلسه می گذاشتند. در این جریان، کارگران بیش از پیش این افراد را میشناختند و بحق نام سازشکاران را بر روی آنها گذاشته بودند. این افراد بارها به تصمیمات جمعی دفترهماهنگی بهاء نداده و با تشکیلات شکنی حرکات فردی انجام می دادند.

عده‌ای دیگر از افراد دفترهماهنگی میخواستند در طی همین چند روز مبارزه همه چیز را برای کارگران روشن کنند و به کارگران به زور بقبولانند که زنان و مردان برابر هستند. آنها بی توجه به وضعیت کارگران میخواستند تا به آخر از پشت بلندگو علیه دولت علنا افشاگری کنند. این دسته نیز به تصمیمات دفتر

بقیه از صفحه ۲ مظاهرات ...

وابسته به امپریالیسم سرفراز است، کارگر همچنان باید زیر سرمایه‌داران جان بکند، نجات قطعی ما در نابودی این سیستم ضد خلقی است.

ما کارگران شرکت ملی پروژه‌ای با صراحت تمام خواستهای انقلابی خود را اعلام کرده و تا رسیدن به این خواستها قدمی از میدان مبارزه عقب نشینی نخواهیم کرد.

۱ - بازگشتن کارگران مبارز اخراجی

۲ - ملی کردن شرکتهای پیمانی و تاسیس شرکت ملی پروژه‌ای ایران

۳ - لغو قرارداد ننگین فاستروبلر - تهران - جنوب، مانا، ماشین سازی پارس، صنایع فولاد

۴ - رسمی شدن کلیه کارگران پیمانی

۵ - اخراج خارقانی، مزدور سرمایه‌دار، افسر سابق ستوررشیس فعلی مجتمع

۶ - برچیدن شدن بساط تشکیلات فرمایشی و تحمیلی شورای به اصطلاح اسلامی فاستر ویلر - تهرانجنوب

۷ - ایجاد شورای شرکت ملی پروژه‌ای بدست خود کارگران

۸ - یورش وحشیانه عوامل سرمایه‌داران به شورای هماهنگی محکوم کرده و ضمن اعلام حمایت قاطع خود از شورای هماهنگی، خواهان ابقاء و ادامه فعالیت آن می - باشیم.

۹ - حمله وحشیانه روز قبل (۵۹/۱/۱۷) را که توسط عوامل سرمایه‌داروپاسداران مسلح به راه پیمائی کارگران شرکت ملی پروژه‌ای صورت گرفت و منجر به دستگیری و مضروب کردن تعدادی از کارگران اخراجی و دیگر کارگران گردید، بشدت محکوم کرده و خواهان آزادی هر - چه زودتر آنها هستیم.

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

همانطور که قبلا نیز اشاره شد، این دو دسته یکی از دیدگاه و راست و دیگری از دیدگاه چپ به توده‌ی کارگر اهمیت نمی‌دادند. از این دو دسته یکی به توده‌ی کارگر اعتماد نداشت و محافظه‌کاری و سازشکاری می‌داد و دیگری با فاصله زیادی از کارگران می‌خواست مبارزه‌کند و پیشاهنگ باشد.

دوشنبه ۵۸/۱۲/۶

در این روز کارگران زن نیروی کهبانی استقاده‌شد، کارگران زن قطعنامه‌ای از پشت بلندگو خواندند و لزوم شرکت فعال زنان را یادآوری کردند. در این روز کارگران پاکاو نکتوکا رشت را مبارزه‌ی کارگران مینو حمایت کردند.

حدود ساعت ۱۱ آقای محمود پاکروان (نماینده‌ی دادستانی) برای بازدید به کارخانه آمد. از سرکوب و تهدید نتیجه‌ای عایدش نشده بود و اکنون وقت دادن امتیاز بود.

در توافق نهائی نماینده‌ی دادستانی موافقت کرد که هیئتی از کارگران در مورد رسیدگی به اموال خسروشاهی نظارت داشته باشند و همچنین چک سفیدی از کارفرما با ضمانت دادستانی گرفته شد و با امر کارگران نماینده‌ی دادستانی کتبا متعهد شد که در رابطه با این جریانات هیچکس دستگیر، بازداشت و اخراج نگردد.

بعد از اینکه چک سفید امضاء شد، دادستانی متعهد شد به تمام خواستهائی که از طرف کارگران مطرح شده بود ضامن باشد. خسروشاهی و سایر گروگانها به اتفاق نماینده‌ی دادستانی و تعدادی از کارگران در میان شعارهای: "خسروشاهی شرتوکم شد" و "درود بر کارگران" کارخانه را ترک گفتند.

در این روز کارگران دفترهامنگی برای استراحت و بدر کردن خستگی چند روز مبارزه به خانه‌هایشان رفتند و به این ترتیب محیط برای فعالیت عوامل کارفرما آماده شد. بین کارگران شایع کردند که اینها اسلحه داشتند و از پشت بلندگو سرودهای کمونیستی پخش می‌کردند.

سه‌شنبه ۵۸/۱۲/۷

در این روز کارگران فعال دوباره در دفترهامنگی گرد هم جمع شدند تا در برابر عوامل کارفرما ایستادگی کرده و با افشاگری علیه آنها توطئه‌هایشان را خنثی نمایند. آنان طی دو اعلامیه به امضاء دفترهامنگی موقت، ادامه موجودیت خود را اعلام نموده و کارگران را برای تشکیل شورای واقعی و جمعبندی مبارزه چند روزه به یک مجمع عمومی برای صبح چهارشنبه فرا خواندند.

چهارشنبه ۵۸/۱۲/۸

توطئه عوامل کارفرما، فرصت طلبی هیئت مدیره سابق و تندروی یکی از اعضاء دفترهامنگی

این روز در مجمع عمومی یکی از کارگران دفترهامنگی به جمع بندی مبارزات پرداخت و کارگر دیگری درباره‌ی مسئله تشکیلات و اینکه در طی این مبارزه دفترهامنگی یک تشکیلات واقعی کارگری بود صحبت کرد و درباره لزوم حفظ آن برای ادامه افشاگری و ایجاد یک شورای واقعی تاکید نمود. کارگر دیگری از همان دسته سازشکاران که قبلا مقاومتشان را بر شعر دیم بدون مقدمه هیئت مدیره سابق را تائید کرده و خواهان پیگیری ادامه مبارزه از طرف آنان شد.

در این روز آخرین سخنران یکی از همان دسته تندروها بود که علیه دولت مطالب تندی را بیان نمود. در طی این مجمع عمومی عوامل کارفرما چندین بار کوشیدند تا آنرا برهم زنند اما هر بار کارگران دفترهامنگی را تا شب دگردند. آنان منتظر بهانه‌ای بودند و حرفهای آخرین سخنران بهترین بهانه را بدستشان داد. این بود که بسمت بلندگو یورش آوردند و یکی از افراد هیئت مدیره‌ی سابق شروع به ادوقال کرد که همه گفته‌های این شخص دروغ محض است و...

در این موقع یکی دیگر از افراد هیئت مدیره‌ی سابق بنام اردستانی که زمانی کارگران و بفرمی خواستند و را از سرپرستی خلع و به محاکمه بکشانند و بعد با چریزانی و فریب و انقلابی نمائی توانسته بود خود را در دل آنها جا کند کاملا از روی نقشه میکروفون را بدست گرفت و انحلال دفترهامنگی را اعلام داشت و گفت: از این ببعد هیئت مدیره دنبال کارها را خواهد گرفت. بنظر ما در این جریان (انحلال دفترهامنگی) تندروها و سازشکاران خرد و تقصیر دارا شتند. تندروها سبب ایجاد دید بینی کارگران نسبت به دفترهامنگی شده و سازشکاران راه را برای امثال اردستانیها این جا و طلب مزدور هموار کردند و موجب از هم پاشیدن دفترهامنگی شدند.

پنجشنبه ۵۸/۱۲/۹

در این روز عوامل کارفرما در کارخانه جلسه‌ای گذاشته و بدنبال آن اعلامیه‌ای علیه دفترهامنگی ما در کرده و اعلام داشتند که با این کمونیستها را از کارخانه اخراج کنیم.

طبق تحقیقات انجام شده دادا فرادیکه در جلسه مذکور شرکت کرده بودند بین ۳۰ تا ۳۵ نفر بیشتر نبودند که در میانشان کارگران ناآگاه نیز حضور داشتند. این افراد از مزدوران کثیفی چون طیبی، علی موسی زاده، خوشبخت و اردستانی بسیج کرده بودند. افرادی مانند اصغر موتورچی، شعبانی سی متر و یکه‌بزن گروه احمد فشاردزد سرشناس شعاوی، اروجملی حنفی نژاد زعنا صرفعال سندیکای زمان شاه اکبری طرف سرپرست بخت که زمانی از طرف کارگران در شرف اخراج بود، با وارشکهبانی و...

شنبه ۵۸/۱۲/۱۱

در این روز در مقابل درب نگهبانی شروع به دستگیری کارگران مبارز نمودند. آنها ۱۱ نفر از کارگران را دستگیر و به کمیته دیوفرستادند. هنگام دستگیری نماینده‌ی دارو-سازی، کارگران با دست کشیدن از کار و یورش به مزدوران کارفرما نه تنها نماینده خود را از دست آنها رها ساختند، بلکه نماینده‌ی فنی-ها و یکی از کارگران تعمیرگاه پیک را نیز از دست آنان خلاص دادند.

ادامه دارد.....

حمله مزدوران کارفرما به کارگران مبارز یارلون

شورای کارخانه یارلون رشت، مانند بسیاری از شوراهای دیگر پس از قیام تشکیل گردید.

اعضای این شورا که چون خاری در چشم کارفرمای کارخانه بود، بارها از طرف عوامل مزدور کارفرما مورد تهدید قرار گرفتند. کوششهای کارفرما برای منحل نمودن شورا با سدی از مقاومت و همبستگی کارگران روبرو گشته و با شکست مواجه گردید.

در جریان مطرح شدن مسئله سودویژه،

بقیه در صفحه ۱۱

کارگران بیکار نوشهر، توپ فوتبال آقایان فرماندار و استاندار!

کارگران بیکار نوشهر مدتها است دوندگی برای کسب لقمه‌ای نان، ماه‌ها خطاب به فرماندار رشتی نویسند که در آن ضمن اعتراض به کمبود دو اجراکی و قسمتهای کمرشکن ما بحتاج زندگی، بار دیگر خواهان رسیدگی به وضع خود میشوند. در پایان نامه کارگران تهدید می‌کنند که چنانچه به وضع نابسامانشان خاتمه داده نشود، همگی در فرمانداری شهرستان خواهند نمود.

حال ببینیم مقامات شهرو استان چگونه با ابتدائی‌ترین حق یک انسان یعنی کار برخورد میکنند. فرماندار در حاشیه نامه کارگران خطاب به شورای شهر مینویسد که مشکل اینها بالا بودن قیمتها و کمفروشی است!! آقای فرماندار حتی این زحمت را به خودش نداده که نامه‌ی سطری کارگران را تا آخر بخواند و در همان سطور اول که با مسئله کرایی روبرو شده، سلانا تله جنان مزخرفاتی را در حاشیه نامه نوشته و کارگران را به شورای شهر پاس داده است!

شورای شهر نیز مجددا در حاشیه نامه می‌نویسد که "متقاضیان حواست دیگری دارند و ربطی به کرایه نفروشی ندارد" و مجددا نامه را به فرمانداری بازمی‌گرداند. در دو نامه دیگری که استاندار و فرماندار به یکدیگر می‌نویسند مجددا کارگران را به یکدیگر پاس می‌دهند! دولتی که مدروغ سنگ "مستضعفین" را به سینه میزند با کارگران زحمتکش ما که مدتهاست در جنگال بیکاری و فقر کرفتارند چنین رفتار می‌کند و این البته عجیب هم نیست چرا که دولتی که مدافع منافع سرمایه‌داران است، جز در تحت فشار کارگران و زحمتکشان حتی به خواستهای صنفی آنها هم بی توجه است. هیئت حاکمه از طرفی، همانطور که دیدیم کوچکترین اعتنائی به فقر و محرومیت کارگران نشان داد و از طرف دیگر با فتواها و قوانین ضد مردمی این حکومت تحصن و اعتصاب را عملی ضد انقلابی معرفی کرد. البته کارگر و زحمتکشان ایران روز بروز بسرعت ماهیت هیئت حاکمه ضدخلقی پی میبرند و در تجربه روزانه خود لمس میکنند که هنوز فرصتها از آرمانهای انقلابی خود دور مانده و چنین است که با روآوردن به سازمانها و تشکیلات کارگری خود را برای رزم فردا آماده میکنند.

قسمتی از نامه‌ی کارگران سنگبار و حاشیه مضحکی که آقای فرماندار در قسمت بالای نامه نوشته است. این نامه با معنای حدود هشتاد نفر از کارگران سنگبار رسیده است.

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب مستطاب فرماندار محترم شهرستان نوشهر

احتراما، بدینوسیله به استحضار میرساند که بنده با سابقه ... اطلاع دارید، این حال بنده با سه کودکان، مرض و درد زن ما آوارگی و سرگردانی و به بیماری زنم کی مردم و در منزل بیماریم و در خانه گفته: کف بیاورید و دکتر و دارو و درمان برای کرایه خانه بیاورید و اشخاص بیمار بتوانند در بیمارستان بروند و کسی به داد ما نرسد و ما در این زندگی دیوانه شدیم.

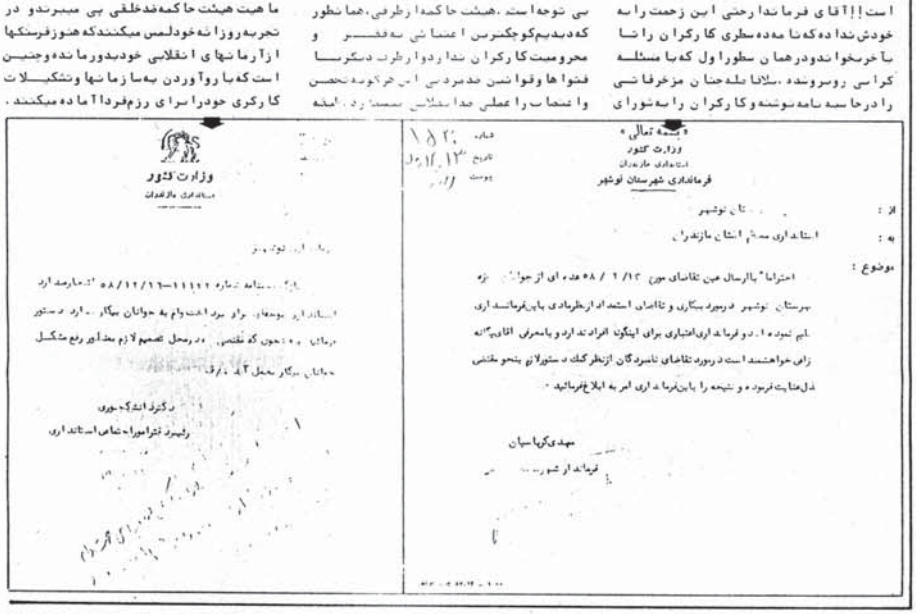
وزارت کشور
استانداری مازندران

شماره ۱۸۲۰
تاریخ ۵۸/۱۲/۱۳

بسمه تعالی
وزارت کشور
استانداری مازندران
فرمانداری شهرستان نوشهر

از: ... نوشهر
به: استانداری مازندران
موضوع:

احتراما بالرسال عین تقاضای مورخ ۵۸/۱۲/۱۲ عده‌ای از جوانان بیکار شهرستان نوشهر در مورد بیکاری و تقاضای استمداد از خطر بیادی باین فرمانداری ارسال نموده، دو فرمانداری اختیاری برای اینگونه افراد ندارد و با معرفی آقایان زائی خواهشمند است در مورد تقاضای نامبردگان از نظر کمک دستور لازم بنحو مقتضی قبل مبادرت فرموده و نتیجه را باین فرمانداری امر به ابلاغ فرمائید.

مهدی کیاسیان
فرماندار شهرستان نوشهر

وزارت کشور
استانداری مازندران

... نوشهر

... نامه شماره ۱۱۱۲۲-۵۸/۱۲/۱۶ ... استانداری ... برای بیکاران ... وام به جوانان بیکار ... دستور ... در محل تصمیم لازم بعمل آید ...

دکتر ...
رئیس دفتر امور اجتماعی استانداری

حق "بیمهٔ بیکاری" هم حق کارگران بیکار است، هم کارگران شاغل

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

• دو خبر از کامیاران

روز شنبه ۵۹/۱/۱۶ بسیجیان دمکرات فدائی، دسته زحمتکشان، کومله و سکا رسا سلاحهای آر.پی.جی.۷ و خوب و سلاحهای سبک مفرحاشها و پاسداران را در کامیاران مورد حمله قرار دادند. بعد از انجام این حمله، بسیجیان همگی سالم به پایگاههای خود بازگشتند.

• کامیاران ۵۹/۱/۱۴

ساعت ۸ صبح، جاشها و پاسداران مستقر در کامیاران در حمایت ارتش بطرف سنندج شروع به پیشروی کردند.

در نزدیکی روستای "ساخله" در ۴ کیلومتری کامیاران با مقاومت قهرمانانه پیشمرگان دمکرات، فدائی، دسته زحمتکشان پیکار، کومله روبرو شدند، و درد و خورد آغاز گردید. جاشها و پاسداران که ابتدا توانسته بودند "دکل تلویزیونی توانکش را بتصرف درآورند با پیشروی پیشمرگان عقب نشینی کرده و دکل دوباره به دست پیشمرگان افتاد و در یک سردتیپ ماباده در ساخله پیشمرگان پیاده شدند ۱۲ تن از جاشها و پاسداران کشته و سلاحهایشان را بدست آوردند. همچنین چند تانک که مسلول پیشروی بودند با مقاومت پیشمرگان مواجه شده که در این درگیری سه تانک منهدم گردید.

در این درگیری جاشها و پاسداران از توپ و تانک و مسلسل کالیبر ۵۰ استفاده کرده و در اواخر توسط هلی کوپتر پشتیبانی می شدند.

درگیری تا ساعت ۶ بعدازظهر ادامه داشت و پیشمرگان همچنین در اطراف روستای ساخله با پیشروی خود توانستند با وارد کردن ضربات مداوم به پاسداران و جاشها آنها را به عقب برانند.

پیشمرگان در این نبرد قهرمانانه در برابر نیروهای مهاجم مقاومت کرده، شکست فاحشی بر آنها وارد کردند. در این درگیری فقط یکی از پیشمرگان فدائی جراحت جزئی برداشته و پیشمرگان با روحیه عالی به پایگاههای خود بازگشتند. شادباش اولین جوانان دلیر و زرمنده خلق کرد به شهدای رژیم جمهوری بدر "باد".

(منقل از خبرنامه کومله ۵۹/۱/۱۵)

شهادت رفیق عبدالله مولوی فرزند دلیر خلق کرد

حدود ۲ هفته قبل طی یک درگیری مسلحانه که در منطقه کوماسی توسط پاسداران بعثی حمله نیروهای انقلابی خلق کرد و جاشهای خود فروخته بوجود آمد، رفیق عبدالله مولوی پیشمرگه و نیروهای انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله) بشدت زخمی شد و یکهفته بعد در ساعت ۵۹/۱/۱۲ بشهادت رسید (در این درگیری ۲ نفر از جاشها کشته و ۲ نفر دیگر سخت زخمی شده بودند). در بزرگداشت این رفیق شهید، مجلس خاکسپاری شکوهی در شهر ساقز برگزار شد. در این مراسم علیرغم باران شدید بیش از ۲ تا ۳ هزار نفر شرکت داشتند. در پیش رامسرود ای شهیدان از طرف جمعیت خوانده شد. پس از قرائت فاتحه توسط مردم، رفیق عبدالله از کومله زحمتکشان کردستان ایران سخنرانی کرد و شرحی از سیاستهائی که در همبستگی با مبارزات خلق کرد رسیده بود قرائت کرد. در پایان سخنرانی رفیق عبدالله مولوی که از زکیه نسبت به دشمنان خلق سرشار بود، تحلیل بعمل آمده و از این آموزش را می گیرد که "هر چه قاطعتر و راستتر در راه آرمان والای زحمتکشان کام بردارید".

رفیق شهید کاک عبدالله در شهرستان ساقز متولد شد و ۳ سال از عمر خود را در زندانهای شاه در اصفهان و تهران گذرانید و در بهار سال ۵۸ به "کومله" پیوست. او طراح بسیاری از عملیات پارتیزانی در منطقه بانه بود.

خاطره اش را گرامی بداریم و مبارزه دموکراتیک ضد امپریالیستی را پیگیرانه ادامه دهیم.

نامه‌ای از یک سرباز کرد:

پیش از یکماه پیش همراه با حدود یکصد تن از دبیله های وظیفه سنندج به پادگان "چهل دختر" (شاهرود) رفتیم. با خود می گفتم که در درون ارتش هم میتوان بخلق کرد خدمت کرد. شاید بقیه هم چنین می اندیشیدند. ابتدا بیگانه بودیم بهتا دوست، هیچگونه اتحادی با هم نداشتیم. اما سیر وقایع، آنچه که در جامعه می گذشت، زود شر از آنچه که فکرش را بکنی ما را بهم نزدیک کرد. با زود ریاز و شانه به شانه هم که باشی کارها بهتر و سریعتر پیش می رود. کارها هم سریع پیش رفت. با دوستان سربازی که از شهرهای دیگر، از گوشه و کنار سرزمین پهناور ایران آمده بودند، گپ می زدیم. خود مختاری جنبش خلق کرد و اوضاع کردستان، همانطور که در ذهن ما بیشترین جا را داشت، در گپ زدنهامان نیز چنین بود. از حرفهایمان خوب استقبال میشد، چرا که حقیقت خوب است و ما حقایق را می گفتیم.

شبها که دستجمعی سرودهای ملی خلق کرد را می خواندیم، شور دیگری داشت و ما همچنان بهمدیگر نزدیک می شدیم. تا جائیکه وقتی شب نوروز بین سربازان شیرینی پخش می کردند، با اینکه کامان تلخ بود و چون کامان تلخ بود، همگی از گرفتن شیرینی خودداری کردیم. چه شیرین است همبستگی و ما با همبستگی کامان را شیرین کردیم.

نوروزمان را با نوشتن یک مقاله افشاگرانه درباره نوروز خونین کردستان، آغاز کردیم که توسط یکی از دوستان به نمایندگی از طرف همه خوانده شد. همانطور که پیش بینی میشد، این کارمان با اعتراض فرمانده گردان روبرو شد. او تهدید کرد که اگر نویسنده مقاله را معرفی نکنید، بازداشتتان خواهیم کرد. این گستاخی فرمانده با مخالفت همه سربازان، کرد و غیرکرد، خنثی شد. (زنده باد همبستگی خلقها!).

یک شب وقتی تمام سربازان در سالن سینمای پادگان گرد آمده بودند، بخاطر بزرگداشت شهدای نوروز خونین، یک دقیقه سکوت اعلام شد. و این موفقیتی بود برای ما.

گفتم که کارها خوب پیش میرفت. بهتر از این هم میشد، اما درکجا؟ این را در جلساتی که با هم داشتیم دریافتیم. البته توطئه‌های رژیم هم کمکمان کرد، رژیم تدارک حمله دیگری را به کردستان می دید. باید می رفتیم. آری کردستان، در آنجا بهتر از این و خیلی بهتر از این میشد مبارزه کرد.

پنجشنبه شب بود و ما در گروهانهای خود چگونگی رفتنمان را به بحث گذاشتیم. تصمیم گرفتیم مخفیانه از پادگان بگریزیم. ولی فردای آنروز سخنرانی کینه توزانه و تهدید آمیز بنی صدر در مورد کردستان گروهی از دوستان را چنان بخشم آورده بود که همانجا لباسها پشان را کنده و بقصد فرار خارج شدند، لکن نتوانستند و ناچار شب جلسه دیگری تشکیل دادیم. قرار این شد که صبح فردا بدون اینکه اسلحه بگیریم در صبحگاه حاضر شده و همانجا فریاد بزنیم که جای ما در کردستان است و ما رفتیم!

روز بعد همین کار را کردیم. فرمانده ما را

بقیه در صفحه ۱۱

در اجتماع مردم ایرانشهر:

سیاست ترور هیئت حاکمه محکوم شد

روز یکشنبه ۵۹/۱/۱۷ بدعوت هواداران اتحاد زحمتکشان بلوچستان "در ایرانشهر"، همبستگی دو اعتراض به ترور ناجوانمردانه دکتر حسین بریشت سیاسی پاسداران برگزار شد. در این گردهمائی که در جایگاه ورزشگاه ایرانشهر تشکیل شده بود، چندین از مبارزان بلوچ برده از روی سوءهای ترور سیاسی رژیم برداشته و ارتجاع محلی را نیز رسوا ساختند.

در این گردهمائی قبل از همه ضمن تحلیل از مبارزات سیاسی دکتر حسین بر، شرح واقعه ترور او و بازتاب خود حسین بر که فعلا بر روی نوار ضبط شده بود سماع مردم رسید. در سخنرانی هائی که دور بر گرفت، حقایق دیگری نیز در رابطه با همین مسئله در اختیار مردم گذاشته شد. از جمله اینکه قبل از این ترور فرماندهان پاسداران، رئیس جهاد و عده ای از مقامات مسئول و با اصطلاح معتمدین محل جلسه ای در اسپاندارای تشکیل شده و در آن جلسه موضوع لزوم ترور این فرزند دلیر خلق بلوچ طرح ریزی شده بود که به دلیل مخالفت چندتن از حاضرین نتوانسته بودند به توافق برسند. لیکن صبح بودی که اکنون از ترس مردم فراری شده است (وسیاه پاسداران کماکان این توطئه جنایتکارانه را دنبال میکنند و سرانجام دست به اجرای نقشه پلید خود می زنند. اما خوشبختانه نمی توانستند دکتر حسین بر را بقتل برسانند.

سخنران بعدی ضمن افشای ماهیت ضد خلقی رژیم، سیاست ترور و سرکوب هیئت حاکمه را بشدت مورد حمله قرار داد. یکی از کارگران با تاب بلوچ که سخنران بعدی بود، توضیح داد که چگونه ارتجاع محلی به سیاستهائی [illegible] که با کارگران دستمزدی می ورزد، در پایان گردهمائی که با شعارهای متعددی در محکوم کردن رژیم توام بود یک قطعنامه ۶ ماده ای قرائت شد که توسط جمعیت حاضر تائید گردید. متن قطعنامه چنین است:

۱ - ما همدوش با سایر خلقها و همراه با همه زحمتکشان ایران، برای ایرانی آزاد و مستقل مبارزه خواهیم کرد تا خودمختاری واقعی خلق ها از جمله خلق بلوچ در آن تحقق پذیرد.

۲ - ما سیاست سرکوب خلقها و زحمتکشان و ترور مبارزان را در ترکمن صحرا و بلوچستان و کردستان و سایر جاهای ایران، در جهت منافع امپریالیسم و ارتجاع دانسته و این جنایات را که از جانب کل ارتجاع حاکم انجام شده است محکوم می نمائیم.

۳ - ما معتقدیم که عاملان ترور دکتر حسین بر معرفی و در پیشگاه خلق بلوچ بطور علنی محاکمه گردند و از همه مجامع مترقی سیاسی و حقوقی میخواهیم تا این موضوع را دنبال و عاملان جنایتکار آنرا افشا نمایند.

۴ - ما از همه نیروهای مترقی و انقلابی میخواهیم که با هوشیاری تمام اتحاد خود را محکمتر ساخته و صفوف خود را فشرده تر نمایند تا بر علیه دسائس ارتجاع و امپریالیسم بطور گسترده تری بتوانند مبارزه نمایند.

۵ - ما توطئه ها و جنگ افروزیهای رژیم را که هم اکنون در کردستان آغاز شده و موجب قتل عام و کشتار بسیاری از زحمتکشان آن سامان گردیده است، بشدت

بقیه در صفحه ۹

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

نگاهی به نتایج انتخابات مجلس شورایملی (۲)

"همنام" سومین گروه عمده شرکت کننده در انتخابات (ازگروه‌های وابسته به قدرت حاکم) بود. این جریان "نهضت آزادی" داخل وخارج بعنی لیبرالهای مذهبی بود. که بدلیل رسوائی های خودو رهبرانش (بازرگان، امیرانتظام، جمران، یزدی و...) ترجیح داده بودتحت این نام جدیدوارد عرصه مبارزه انتخاباتی شود. این گروه که بطور آشکار با تلویحا از حمایت برخی از رهبران مذهبی از جمله آیت الله خمینی، محمد تقی شریعتی و... برخوردار بود، لیبرالی را ارائه دادکه عناصر آن عمدتا وابسته به خودنهضت آزادی (چه بخش داخل وچه بخش خارج آن) بودندوبجز عناصر معدودی مانند "علی جنتی کرمانی" علی صادقی تهرانی و... بقیه "خودی" بودند.

گروه "همنام" درجریان انتخابات رغبت چندانی ازخودبرای اختلاف با حزب جمهوری نشان نداد. اما تلاشهائی ازجانب این گروه وپشتیبانان با نفوذآن مانند آیت الله زنجانی صورت گرفت تا میان این گروه وطرفداران بنی صدروجبهه ملی، ائتلافی بوجودبیاورد. اما این تلاش ها بثمرنرسید هرچندکه علت آن کاملا مشخص ومعلوم نیست، اما بنظرمی رسداختلافات با برسرلیست مشترک بوده است، چراکه نگاهی به لیست انتخاباتی این سه جریان نشان می دهدکه علیرغم وجودبرخی کاندیداهای مشترک در لیست های آنها، به وحدت رسیدن برسر یک لیست مشترک دشوار بوده است، ویا برسر عدم موافقت گروه "دفترهمانگی..." در پشتیبانی ازکاندیدای سرشناس اما رسوای "همنام" ازشما ریا زرگان، یزدی و... دور می زده است. بهردلیل که بوده است چنین ائتلافی صورت نگرفت، اگرچه درلیست آنها کاندیداهای مشترکی هم یافت می شد.

"همنام" مرفه‌ترازتلاقی برخی ازکاندیداهایش باکاندیداهای سایرگروهها، در انتخابات ازجانب هیچ گروه ودسته‌ای مورد پشتیبانی قرارنگرفت، حتی جبهه ملی، بار غارودوست دیرینه (وآینده!) اش ازهیچکدام ازکاندیداها، حتی کاندیداهای سرشناس "همنام" مانندبازرگان، بنی صدر، سحابی، یزدی وچمران ... پشتیبانی نکرد. این امرنشان دهنده اختلافاتی است که میان ایندونیرو، علیرغم ماهیت طبقاتی یکسان آنها، برسرمسئله حاکمیت وموضعی که نهضت آزادی ورهبرانش درقبال جبهه ملی داشته‌اند، وجوددارد.

"همنام" نیزفقط ازدوکاندیدای جبهه ملی (مهندس حسیبی ومبشری) پشتیبانی نمود.

جالب است گفته شدوکه جبهه ملی بیشترین حمایت ازکاندیداهای سایرگروهها را درمورد کاندیداهای "دفترهمانگی..." انجام داد. واین درحالی بودکه یاران قدیمی اش چون بازرگان را ازحمایت خودمحروم می کرد.

بهرصورت گروه "همنام" درانتخابات از لحاظ رابطه با نیروها (نه تلاقی کاندیداها) تنهاترین نیروبود. وهیچکدام ازکاندیداهای آن ازطرف گروههای دیگرمورد پشتیبانی قرارنگرفت.

باری، درجریان انتخابات هیچگونه ائتلاف قابل توجهی میان گروههای درگیر درقدرت سیاسی صورت نگرفت وحمایت ها نیز بسیارپراکنده ومحدودبود. این واقعیت خود شکاف عمیق میان نیروهای درگیر درقدرت رابه روشنی نشان داد. این پراکندگی درعین حال جلوه‌ای بودازشکست تلاشهای بنی صدر برای به وحدت رساندن جناحهای مختلف حکومتی برای غلبه برچالش های بحران سیاسی موجود وعدم ثبات حکومت.

نتیجه انتخابات و موقعیت نیروها درآن:

حال بدنیست نگاه‌گذرائی به نتیجه انتخابات وموقعیت کاندیداهای نیروهای مختلف بیاندازیم.

۱ ـ حزب جمهوری اسلامی: همانطورکه گفتیم این حزب حدود $\frac{2}{3}$ کرسی های مجلس را سرکشورا بخودا ختصاص داد. درتهران از میان ۱۸ نفر افرادی که حائز اکثریت مطلق آراء بودوبه مجلس راه پیدا کرده‌اند ۱۲ نفرمتعلق به حزب جمهوری اسلامی و ۱۲ نفرمتعلق به "ائتلاف بزرگ" است همچنین ازتعداد ۲۴ نفرکاندیداهائی که به مرحله دوم راه پیدا کرده‌اند، ۱۳ نفرمتعلق به این حزب هستند. طبعا درمرحله دوم نیزاین معادله تغییرچندانی نخواهدکردواین امرباعث حزب جمهوری اسلامی حدود ۷۰ درصدنمایندگان تهران درمجلس شورا را بخودا ختصاص خواهد داد. ومجلس را درجنگ خودخواهدداشت. یعنی درسیاستها وبرنامه‌ها ومصوبات آن، نقش تعیین کننده‌ای خواهدداشت. طبیعتا این مسئله نمی تواندبدرحرکت سیاسی کشور و سیاستهای کل هیئت حاکمه موثرواقع نشود. بدین صورت که این حزب نقش قاطعتری در تعیین سیاستهای کل هیئت حاکمه احراز خواهدنمود. ازطرف دیگراین موضوع، درگیری میان جناح بنی صدروجناح وابسته به این "حزب" راافزایش خواهدداد وبرتحرک سیاسی درحکومت به مراتب خواهدافزود. نگرانیهای بنی صدرازاین مسئله درموارد زیادی علنی شده است. واودرسخنرانی ها ومصاحبه‌های خود، تکیه زیادی روی هماهنگی مجلس با رئیس جمهورمی کندودراین راه می کوشد تا آیت الله خمینی راهم به ضرورت این هماهنگی متقاعدگرداند.

۲ ـ طرفداران بنی صدر: از ۱۸ نفر کاندیداهای راه یافته به مجلس درمرحله اول ۷ نفرمتعلق به "دفترهمانگی" است واز ۲۴ نفرراه یافته به مرحله دوم، هم ۷ کاندیدا متعلق به این گروه است. این واقعیت نشان می دهدکه جناح بنی صدردرمجلس درپیاسر جناح حزب جمهوری بسیارضعیف تراست واین برای اومشکلات زیادی راایجادخواهد کرد. ذکراین نکته هم ضروری است که درعین حال کاندیداهائی که ازطرف این گروه به مجلس راه می یابند، ضرورتا یک سیستم بدئولوژیک سیاسی واحد راداراینندواین واقعیت ناشی ازعدم تشکل طرفداران بنی صدردریک سیستم منسجم ومشکل است. درحالیکه با لعکس حزب رقیب، ازلحاظ سیستم ایدئولوژیک ـ سیاسی دارای انسجام وهماهنگی بیشتری است وتاحدودی این امکان برای آن وجوددارد که تمام کاندیداهای وابسته به یک درمجلس یک خط واحدرادنبال کنند. و این نقطه ضعف دیگری برای بنی صدروجناح درجبهه حاکمه است.

۳ ـ همنام: این گروه ازمیان ۱۸ نفر کاندیدای راه یافته به مجلس، ۸ نفرازمیان ۲۴ نفرراه یافته به مرحله دوم و۵ نفرراخود اختصاص داده است. بدین ترتیب وضعیت این گروه (یعنی درواقع جریان نهضت آزادی) در رابطه با انتخابات تهران حدودا مشابه وضعیت گروه دوم است. این احتمال وزمینه وجوددارد که این جناح (نهضت آزادی) وجناح بنی صدردرمجلس دربسیاری موارد بطور واحدی رادربرابرحزب جمهوری اسلامی تشکیل دهندتا بتوانندبدین نحوا غالبیت این حزب درمجلس مقابله کنند. در مورد "همنام" نکته مهمی رابایدتذکرداد. تاید انتخاب ۸ نفرازکاندیداهای این گروه در دوراول، بخصوص انتخاب عناصری همچون بازرگان، آنهم بعنوان نفرسوم، اندکی غیرمنتظره باشد. ولی بهرحال واقعیت دارد. در واقع بدنبال رسوائی های سیاسی این جناح ورهبران آن وحملات وسیعی که بعنوان یک جریان سازشکارمی شد (بخصوص درموردبازرگان) بنظرمی رسدکه این جناح ورهبران آن دیگرنفوذوپاسگاهی قابل توجه درمیان مردم‌نداشته باشند. وحتی امکان راه یافتن به مجلس راهم ازدست بدهند. لیکن واقعیت عکس این رانشان داد. فردی چون بازرگان بهرحال به مجلس راه یافت وآنهم باآرائی حدودبیش ازیک میلیون!

البته نگفتیم که بورژوازی لیبرال درشرایط کنونی فی دانه دراجتماع پایگاه چندانی ندارد. وبسیاری ازمشکلات آن به جریانهای مرده‌ای تبدیل شده‌اند. بعنوان مثال به جبهه ملی نگاه کنید. این جبهه با تمام هیاهوی تبلیغاتی اش درراه پیمائی بمناسبت اعتراض به طرح دومرحله ای بتوانست بیش از ۲۰۰ الی ۳۰۰ نفررا جمع آوری نماید! ودرانتخابات شرکت کاندیداهائی که متعلق به خودجبهه ملی بودند، تنها کمتر از ۷۰۰۰ رای بدست آوردند (مثلا علی راستخواه ۶۰۶۵ ومهرداد رامع زاده ۴۵۱۲ ورحیم عابدی ۵۲۷۵ و... رای آوردند). واین تعداد حدودا پایه اجتماعی این نیروها را میتواند بما نشان دهد.

بنابراین علل بسیاری آنچنانی افرادی چون بازرگان را برفرازمسئله معروفیت چهره (که اتفاقا تا توجه به سطح نازل آگاهی سیاسی درارابطه با تمام گروه‌ها بمیتوان یک قاعده نقش موثری داشت او حضوردرقدرت سیاسی مسئله اصلی رابایدد پوشش مذهبی این نیروها جستجونمود. مذهب وروحانیت درواقع هاله‌ای است که لیبرا ـ لیزم بورژوائی این آقایان رابوشانده است وچهره مقدس وکاذبی به آنها داده است. درواقع وابستگی این جریان بورژوا ـ لیبرالی به روحانیت ومذهب، نقش مهمی در نفوذواعتبارآنها درمیان مردم ایفا می ـ نماید. این واقعیت نه تنها میزان خطرات این نیروی محض بورژوازی لیبرال (نهضت جناحهای غیروابسته به مذهب ازقبیل جبهه ملی) رابطوروشن نشان می دهد، بلکه درعین حال میزان خطرات مذهب حکومت یعنی ایدئولوژی مذهبی دستگاه حاکمه را درتحمیق و فریب توده‌ها وسوءاستفاده ازاحساسات مذهبی آنان بروشنی عیان می سازد.

بنابراین تنها بددلخوش بودکه بورژوازی لیبرال باافشای چندسندازعملکردهای عناصروابسته به آن، نفوذواعتبارخودرا در میان مردم ازدست داده است، کماکان باید این جریان طبقاتی راپیگیرانه افشانمود، چهره‌های کوتاکون آن راروساخت وپوشش مذهبی ای راکه برتن کرده است ازهم‌درید و چیزی راکه روحانیت برفرازسرا وگسترده است به کناری زدتا چهره واقعی این نیروی طبقاتی هرچه بیشتربرملا گردد.

موقعیت نیروهای انقلابی وچپ:

۴ ـ نیروهای چپ وانقلابی درمرحله اول (بجزدوسه مورد) وآنهم درسهرستانهای کوچک، کاندیداهائی به مجلس روانه نکردند. فقط سازمان مجاهدین کوبا دردوسه شهر کاندیدای خوردخاپیش به مجلس راه یافته وهمچنین تنفذ دبیشتری ازکاندیداهای این سازمان نیزبه مرحله دوم راه یافته‌اند (که البته به احتمال قریب به یقین با توجه به طرح دومرحله‌ای، به مجلس راه نخواهند یافت)، بااینحال میزان آراء این نیروها درانتخابات، علیرغم تقلبات وتخلفات وسیع وفراوانی که ازسوی هیئت حاکمه و بخصوص حزب جمهوری اسلامی صورت گرفته است، درمجموع خودموقعیت چشمگیری برای آنها محسوب میشود. این آراء عملا نشان می‌دهدکه نیروهای انقلابی وکمونیست بمثابه یک قطب قوی اجتماعی وسیاسی حضورخود را درصحنه اجتماع اعلام‌کرده‌اند. وحکومت نیز نمی تواند این مسئله را درنظرنگیرد. وقتی مسعودرجوی درتهران وعلیرغم تمام تقلبات می تواندبیش ازنیم میلیون رای رابخود اختصاص دهد، این خودواقعیت رشدجناح ناپذیروفزاینده نیروهای انقلابی درمیان توده‌ها بطورانکارناپذیری آشکارمی سازد. مقایسه این آراء باآراء خیزگان نشان می ـ دهدکه این پایه اجتماعی درعرض مدت ۸ ماه به بیش ازدوبرابر (درمجموع خود) افزایش یافته است ودرآینده نیزبکلاشک چنین روندی وآنهم بصورت تصاعدی، ادامه خواهدداشت. در واقع افزایش این پایه اجتماعی منتقل بسلا به معنای کاهش پایگاه اجتماعی هیئت حاکمه وجناحهای مختلف آن است. حکومت نمی ـ تواندربرابراین واقعیت اجتماعی هم ـ چنان دست روی دست بگذارد. وتنها دخالت تدریجی خودش واعتلاء سریع نیروهای انقلابی وانقلابیون کمونیست باشد. اما روشن است که درعین حال هیچ چاره‌ای نیز برای جلوگیری ازاین روندا جتناب ناپذیر اجتماعی ندارد. تمام تلاش های حکومت در

بقیه در صفحه ۱۰

مسائل انقلاب را تنها انقلابیون می توانند حل کنند، نه عافیت جویان

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بقیه از صفحه ۱

امپریالیسم آمریکا ...

واقعیت اینستکه آنان درحالیکه از "صلح" حرف می زنند بطور نسبتی و حتی آشکار مسابقه تسلیحاتی را ادامه می دهند و در همان زمان نیز به سرکوب خونین مبارزات خلقها و توطئه و دسیسه علیه آنها مشغول هستند، رفیق استالین می گوید:

"درحالیکه دیپلماتهای نورزوا خود را برای جنگ آماده می کنند، با نیروی تمام شروع به داد و فریاد می کنند و به افتخار "صلح" و "مناسبات دوستانه" سروصدا راه می اندازند. اگر یک وزیر امور خارجه، برای یک "کنفرانس صلح" خود را به دروغ وا بگوید، مطمئن باشید که دولت وی سفارش راکت ها و هواپیماهای جدیدی را داده است. از نظر یک دیپلمات گفتار با تعدد در تضاد با کردار باشد، در غیر این صورت او چه دیپلماتی خواهد بود؟ گفتار چیزی است و کردار چیز دیگری. حرفهای زیبا، برای پوشاندن اعمال زشت است". (انتخابات پیترزبورگ، ۱۹۱۳)

و یا در جای دیگر می گوید:

"دولتهای نورزواری دیوانه وار مسلح و با زهم مسلح می شوند. برای چه؟ نه برای صحبتهای دوستانه. البته برای جنگ".

(گزارش سیاسی به شانزدهمین کنگره)

بدین ترتیب روشن می شود که امپریالیستها "صلح" می کنند تا اسلحه بیشتر تولید کنند، تا بتوانند برای غارت و سرکوب خلق های جهان، با یکدیگر به رقابت بیشتر دست زده و حتی بجنگند.

منطقه اقیانوس هند و خلیج فارس و رقابت های امپریالیستی

اوضاع حاکم بر اقیانوس هند و خلیج فارس انعکاس و بازتابی از اوضاع فعلی حاکم بر کل جهان می باشد، در اینجا می کوشیم تا فقط نگاهی به تغییر و تحولات این نقطه از جهان بیاندازیم و از این طریق واقعیت جهان کنونی را بهتر درک کنیم و راه تغییر انقلابی آنرا بهتر بیابیم.

منطقه اقیانوس هند و خلیج فارس بخاطر اهمیت استراتژیک و منابع غنی خود بویژه نفت، پس از کودتای شوروی در افغانستان بیش از گذشته مورد توجه خاص قدرتهای امپریالیستی غرب قرار گرفته است. مانورهای دریائی و هوائی، آمدورفت ناوگانهای جنگی استفراری پایگاههای جدید نظامی و غیره بیانگر واقعیت فوق است.

اخیراً در این منطقه امپریالیسم خونخوار آمریکا به بهانه آزادسازی گروگانهای آمریکائی در تهران و با استفاده از جو مخالفت جویانه با سوسیال امپریالیسم شوروی پس از کودتا و ادامه جنگ در افغانستان، به تدارک و آمادگی نظامی بیشتری دست زده است.

چرا امپریالیسم آمریکا به تجهیز و بسیج گسترده نیروی خود می پردازد؟ با فرو ریختن رژیم سرسپرده شاه، توسط مبارزه انقلابی خلقهای شیعه ما آمریکا مهمترین رژیم وابسته بخود در منطقه را از دست داد و بدنبال آن حاکمیت اش در ایران دستخوش تزلزل گردید، در همین ارتباط یکی از نمایندگان امپریالیسم آمریکا طی نطقی، از ممالک غرب خواست تا "خلائی" را که بدنبال سقوط شاه در خلیج فارس بوجود آمده پر کنند، بنابراین آمریکا در پی آنست تا ضعف ناشی از سقوط رژیم شاه را جبران نماید و به علاوه شوروی در دوره اخیر به کوششهای جدید منجمله کودتای افغانستان دست زده تا بتواند منطقه نفوذ خود را گسترش دهد. آمریکا می گوید منطقه نفوذ شوروی است و آمریکا منطقه نفوذ خود را می داند. اما سیاست شوروی بر علیه منطقه نفوذ آمریکا است که در چهارچوب سیاست جهانی امپریالیستی "آتلانتیک شمالی" (ناتو) قرار می گیرد. بعلاوه امپریالیسم آمریکا بموجب این قرارداد ها می تواند در باره ای از سیاست شوروی منطقه مخصوص پس از سقوط شاه و بسیار نیز منظور تامین مرور این است که در افغانستان جهت مقابله با شوروی رشته شاه عمان برای سرکوب جنبش انقلابی عمان فرستاده شود.

اخیراً بین آمریکا و ترکیه قراردادهای نظامی جدیدی به امضاء رسیده است. بموجب این قراردادها آمریکا امکان پیدا میکند تا از پایگاههای نظامی ترکیه بطور دائم استفاده کند. این "همکاری نظامی" در چهارچوب فعالیتهای پیمان امپریالیستی "آتلانتیک شمالی" (ناتو) قرار می گیرد. بعلاوه امپریالیسم آمریکا بموجب این قراردادها می تواند در باره ای از سیاست شوروی ...

● رفیق استالین میگوید: "درحالیکه دیپلماتهای نورزوا خود را برای جنگ آماده میکنند، با نیروی تمام شروع به داد و فریاد میکنند و به افتخار "صلح" و "مناسبات دوستانه" سروصدا راه می اندازند. اگر یک وزیر امور خارجه، برای یک "کنفرانس صلح" خود را به دروغ وا بگوید، مطمئن باشید که دولت وی سفارش راکت ها و هواپیماهای جدیدی را داده است. در تضاد با کردار باشد. در غیر اینصورت او چه دیپلماتی خواهد بود؟ گفتار چیزی است و کردار چیز دیگری. حرفهای زیبا، برای پوشاندن اعمال زشت است". (انتخابات پیترزبورگ — ۱۹۱۳).

● تجهیزات نظامی گسترده در عمان و پایگاه "بربره" در سومالی، این امکان لازم را بوجود می آورد تا علاوه بر امکان گسترده جهت سرکوب انقلابات و جنبشها و مداخلات در کشورهای این منطقه، خط نظامی آمریکا، جبهه جنوبی روسیه شوروی را محاصره نماید. البته چین رویزیونیست نیز با این سیاست موافق بوده و کوشش های فراوانی جهت تحقق کامل آن بعمل می آورد.

● طبقه کارگر و سایر توده های زحمتکش هرگز با هیچ یک از امپریالیستها (و برخلاف تز رویزیونیستی و ضدانقلابی سه جهان) همکاری و وحدت نخواهند کرد. آنان به اتکاء قدرت خود و تحت رهبری پرولتاریا به پیش میروند و در این صورت حتماً برهمه مرتجعین و امپریالیستها پیروز خواهند شد.

تدارکات امپریالیسم آمریکا کدامند؟

کارتر حتا بنظر رئیس ارتش و افق آمریکا مبنی بر پرداختن وام ۴۰۰ میلیون دلاری به پاکستان جهت هزینه های تسلیحاتی، اخیراً اعلام کرده است که: "آمریکا همچنان بکمک پاکستان برای حفظ استقلال و تمامیت خود متعهد باقی مانده است".

روشن است که "کمک" به پاکستان از یک طرف برای تحکیم سرکردگی آن نسبت به آمریکا است و از طرف دیگر این "کمک" جهت تقویت پاکستان بمثابه یک پایگاه سرکوب خلقهای ...

(۱)— کمیسیون سه جانبه شامل سیاستمداران و کارشناسان سیاست خارجی آمریکا، اروپای غربی و ژاپن است.

های مسلح ترکیه شرکت کند و نیز بر اساس همین قرارداد ها یک کمیسیون مشترک از کارشناسان نظامی آمریکائی و ترکیه برای "تعیین نیازهای ارتش ترکیه" و نظارت در اجرای "برنامه کمک پنجساله" تشکیل میگردد. روشن است که آمریکا از این پایگاههای نظامی برای تقویت رژیم ارتجاعی ترکیه و سرکوب جنبشهای مترقی منطقه و سرانجام علیه شوروی می تواند استفاده کند.

به تازگی بین امپریالیسم آمریکا و عمان پیمانی بسته شده است که بر اساس آن علاوه بر جزیره "مصیره"، آمریکا اجازه دارد تا در خاک عمان پایگاه نظامی متعدد مستقر نماید. بر پایه همین قرارداد قرار است آمریکا مبلغ ۱۰ میلیون دلار اسلحه به این کشور بفروشد. بعلاوه باید گفت که رادارهای برنده نیروی هوائی فرانسه آمریکا و هاوکهای انگلیسی "تیمبر" و "کورال" که در نواحی عمان استقرار یافته و این رادارها قادرند حرکت ناوها را در یک شعاع ۴۰۰ کیلومتری تشخیص دهد.

همانطور که دیدیم پس از خروج ارتش شاه از عمان، نیروهای نظامی معرکه تعدادشان به حدود ۷ هزار نفر می رسد. در این کشور مستقر گشته و امپریالیسم آمریکا در پی آنست تا عمان را با توجه به موقعیت استراتژیک آن به پایگاه بزرگ عملیاتی خود تبدیل نماید. بنحوی که در حال حاضر برای مستقر ساختن نفرات تا ده ها هزار تن از نیروهای نظامی خود، تاسیسات فراوانی ایجاد شده است. آمریکا با تقویت شدید نظامی عمان، می کوشد تا علاوه بر تاثیر ارسقوط شاه را جبران نماید و دولتهای خلیج فارس را مستقیماً زیر نظر داشته باشد.

اخیراً بعد از تخلیه پایگاههای دریائی نظامی "بربره" در سومالی توسط شوروی در سال ۱۹۷۷، آمریکا بنا بر پیمانی اجازه پیدا کرده تا در سومالی، دارای پایگاه نظامی باشد. در این زمینه "آبادیاره" رئیس جمهور سومالی اعلام کرده است که: "مذاکره با آمریکا همچنان ادامه دارد" و بعلاوه او موافقت کرده است که "تسهیلات هوائی و دریائی در اختیار آمریکا" قرار گیرد. (اطلاعات ۵۹/۱/۷).

پروا نیست که استقرار این پایگاه نظامی به آمریکا اجازه می دهد تا "باب المندب" و "خلیج عدن" را کنترل کرده و در مورد درگیری با شوروی، با توجه به پایگاه نظامی شوروی در یمن جنوبی و رژیم نظامی ضدانقلابی ظفار در شوروی در اتیوپی وارد عمل شود. البته این پایگاه به آمریکا اجازه می دهد تا بهنگام لزوم، در حمایت فعال از اسرائیل صهیونیست و حمایت از کودتاگران و جنبش های ارتجاعی و ضدانقلابی، با توجه به خودش، اقدام نموده و جنبش های منطقه بویژه جنبش مقاومت خلق فلسطین را سرکوب نماید. بعلاوه نباید فراموش کرد که امپریالیسم فرانسه در جنوبی که در همین نقطه جغرافیائی قرار دارد، دارای پایگاه نظامی بوده که در موقع لازم و در همکاری با آمریکا می تواند وارد عمل شود.

امپریالیسم آمریکا برای بودجه نظامی سال آینده، پایگاه نظامی عظیم خود در جزیره استراتژیک "دیگوگارسیا" واقع در مرکز اقیانوس، مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار اختصاص داده است. این پایگاه استراتژیک نقش بسیار مهمی در تثبیت سیاست جهانی آمریکا می تواند بازی کند، زیرا از این نقطه می توان بر حوزه خلیج فارس، شرق آفریقا، هند و مجموعه قفل و انتقالات اقیانوس هند نظارت و کنترل داشت.

بعلاوه امپریالیسم آمریکا در اقیانوس هند و حوزه خلیج فارس دارای ناوگانی است که در برگیرنده ۵۴ رزمناو جنگی می باشد و در عین حال حدود ۲۵ کشتی جنگی همراه با چندین و هواپیمای آمریکائی با هزاران سرباز آماده برای واکنش، در حال رفت و آمد در آبهای این منطقه هستند. در ضمن امپریالیسم با تکیه علاوه بر واحدهای ویژه غربی، واکنش سریع، در حال آماده ساختن نیروی جدید دیگری در اقیانوس هند است که در برگیرنده یک ناو هواپیمابر و ۹ یا ۶ کشتی سریع السیر و زرهی خواهد بود. قرار است این نیرو در این منطقه استقرار دائمی یابد.

تحکیم پایه های سیاست آمریکا در منطقه خاورمیانه عربی در نتیجه پیمان صلح مصر ←

اقدام فاشیستی اخراج ایرانیان مقیم عراق را توسط دولت بعثی آنکشور محکوم میکنیم

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

واسرائیل ،بازبودن دست اسرائیل و ارتجاعیون همپیمان آن برای سرکوب انقلاب فلسطین وتجاوزبه لبنان وتدارک آمادگی مصربرای ایفای نقش ژاندارم امریکا دربرخی مناطق آفریقا (مثلا زئیر دوسال پیش) یا درعمان (که اشاره کردیم) وتسلیح رژیمهای ارتجاعی نظیرسعودی از سوی آمریکا را باید به آنچه گفته شد اضافه کرد.

مجموعه مسائل فوق،درکنار یک سری حرکات دیپلماتیک دردوره اخیرازجمله مسافرت ژنرال "لیوالن" رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح امریکا ازعربستان سعودی، دیدارگروهی ازستاتورهای آمریکائی از یک ناوهواپیمابرآمریکائی درافریقا س هند ،اعزام یک هیئت آمریکائی به "کنیا" جهت گفتگوبرای استقرار یک پایگاه نظامی، اعزام هیئت پارلمانی آمریکا به سومالی، اعزام گروهی ازستاتورهای آمریکائی به ترکیه ،اعزام یک هیئت ۲۷ نفره کنگره آمریکا به پاکستان وغیره پاره ای ازاقدامات وتدارکات سیاسی ونظامی امپریالیسم آمریکا را مشخص می کند .این تدارکات نظامی وسیاسی علاوه براینکه هدف سرکوب انقلابات وجنبشها ونیزتامین استمرا روگسترش غارت و چپاول دراین منطقه ازجهان را دنبال می کند ،درعین حال نشان دهنده کوشش آمریکا درآماده کردن خودبرای رقابت بیشتر با سوسیال امپریالیسم شوروی، مقابله با پیشروی آن دراین منطقه ودرگیری درجنگ آینده است .درهمین ارتباط است که "برژینسکی" مشاوروویژه کارتر اعلام کرد :آمریکا هرتهدیدی راکه علیه منافع این کشور در منطقه خلیج فارس بعمل آیدبا قاطعیت خنثی خواهدکردونیروهای قابل ملاحظه ای را برای مقابله با چنین تهدیداحتمالی بکارخواهد گرفت .(اطلاعات ۵۸/۱۲/۴)

● منطقه اقیانوس هند وخلیج فارس بخاطر اهمیت استراتژیک ومنابع غنی بویژه نفت ، پس ازکودتای شوروی درافغانستان بیش ازگذشته مورد توجه خاص قدرتهای امپریالیستی غرب قرارگرفته است .

هماهنگی سیاست اروپای غربی با سیاست امپریالیسم آمریکا

درهماهنگی با اقدامات آمریکا دراین نقطه ازجهان، امپریالیستهای اروپائی مانندآلمان وفرانسه نیزدست به یکسری فعالیتهای نظامی دراین منطقه زده اند . امپریالیسم آلمان غربی به تازگی اعلام داشته است که یک ناوگان نظامی به حوزه خلیج فارس اعزام می نماید .بعلاوه دولت آلمان اعلام کرده است :بدلیل اینکه پاکستان اینک بیش ازکشورهای دیگر در معرض تهاجم شوروی است ،آلمان کمکهای همه جانبه خودرا به پاکستان افزایش داده است .

روشن است که این اقدام اگرچه به موازات ودرهماهنگی سیاست آمریکا میباشد، ولی درعین حال بیانگرحرکت تعرضی امپریالیسم آلمان جهت دست یافتن به تقسیم جدیدی ازسرزمینهای جهان وسهم بیشتری از ثروت نیز میباشد. اگر توجه کنیم که بالغ بر ۶۰٪ ازنفت موردا حتیاج اروپا ازحوزه خلیج فارس تامین می گردد ،آنگاه متوجه اهمیت اقتصادی ـ سیاسی این منطقه برای قدرتهای امپریالیستی اروپا گردیده ومنطق حرکات آنان را می توانیم درک نمائیم . بعلاوه روشن میگرددکه اتحادعمل وهمکاری آنان با آمریکا بمنظوردفاع ازمنافع امپریالیستی مشترک ومقابله با رقبای مشترک می باشد .

● کارترجنابتکاریس ازتوافق آمریکا مبنی بر دادن وام ۴۰۰ میلیون دلاری به پاکستان جهت هزینه های تسلیحاتی ، اخیرااعلام کرده است که : "آمریکا همچنان بکمک پاکستان برای حفظ استقلال و تمامیت خود متعهد باقی مانده است"

سوسیال امپریالیسم شوروی جواب میدهد

دربرابر اقدامات نظامی امپریالیسم آمریکا ودررقابت با آن سوسیال امپریالیسم روسیه نیزبه عملیات متقابل دست می زند و جواب می دهد . درهمین زمینه ارگان روسی خبرگزاری تاس اعلام نمود :

"اتحادجماهیرشوروی هرنوع دخالت نظامی آمریکا علیه ایران را تجاوزمستقیم به امنیت وآسایش شوروی تلقی میکند و نسبت به آن بی تفاوت نخواهدبود" .
(اطلاعات ۵۹/۱/۷)

روشن است که هرگونه تجاوزامپریالیسم جنایتکارآمریکا به ایران با مقاومت سراسری خلقهای ایران روبروشده ومردم بپاخاسته ما ایران را به ویتنام دیگری برای امپریالیسم آمریکا بدل خواهندکرد .

اما موضعی که شوروی درچنین صورتی می گیرد نه ازسرحسن مسئولیت انقلابی درمقابل خلقهای ایران ،بلکه بنابرماهیت سوسیال امپریالیستی خود ،برای دفاع از منافع خودخواهدبود .مردم ما نشان داده اند که درزمان شاه شوروی نه فقط درمقابل جولان امپریالیسم درمیهن ما "بی تفاوت" ماند بلکه ازکمک به شاه حتی درزمینه نظامی نیز دریغ نکرد .شوروی بنا به خصلت ضدخلقی خود نتوانست ذره ای به نیروهای انقلابی وانقلاب خلقهای ما کمک رساند .وامروزنیزاگرامپریالیسم آمریکا را موردخطاب قرارمی دهدوبا تهدیدبا وی سخن می گویدبا زدررابطه با منافع خودمی باشد ،نه منافع خلقهای ایران بدین ترتیب ملاحظه می کنیم که بر خلاف تبلیغات رویزیونیستهای حزب توده شوروی براساس منافع ارتجاعی و گسترش آن با آمریکا مقابله می کند .

بهرحال سوسیال امپریالیسم، پس از کودتای افغانستان به تحکیم بیشترموقعیت خودپرداخته است .شوروی که درپی نزدیک شدن به منطقه خلیج فارس واقیانوس هند است ودررقابت با امپریالیسم آمریکا می کوشدتا حضورفعال دراین منطقه حساس داشته باشدتا بحال به اقداماتی ازجمله مواردزیر دست زده است :

شوروی درآبهای دریای عرب ۳۲ ناو جنگی مستقرکرده که این ناوها مدام درحال رفت وآمدمی باشند .وجوداین ناوها ، پایگاه نظامی دریمن جنوبی ورژیم ارتجاعی

● اخیراًبین آمریکا وترکیه قراردادهای نظامی جدیدی به امضاء رسیده است .بموجب این قراردادها آمریکا امکان پیدا میکند تا ازپایگاه های نظامی ترکیه بطور دائم استفاده کند .

اتیوپی به شوروی اجازه می دهد تا سهم خود این قسمت ازمنطقه را زیرنظارت خودبگیرد وحتی درصورت لزوم به سرکوب جنبش ها نیز بپردازد .سرکوب انقلابیون اتیوپی توسط رژیم این کشورواداره جنگ سرکوبگرانه علیه خلق اریتره بکمک مستشاران وملاحظه روسی نمونه ای ازاین واقعیت است .

درافیانوس هندوحوزه خلیج فارس ، شوروی دارای ناوگانی است که درسرگیرنده ۲۶ رزمناو می باشد ،دراینجا شوروی برای لنگرگاه کشتی های خودا سکله های شناور ساخته است .بعلاوه بنا به گفته رادیوآلمانی سوسیال امپریالیسم شوروی دارای ۲۵ پایگاه نظامی ـ تجاوزی درمنطقه اقیانوس هند ، خلیج فارس وجزایر "آداماته" و "سکوتوتا" می باشد .

روشن است که این امکانات وپایگاه های نظامی به شوروی اجازه می دهد تا درجهت حفظ وتوسعه منافع سلطه گرانه خودبه رقابت با آمریکا دست زند .

سیاست امپریالیسم آمریکا درقبال شوروی

بدین ترتیب ما مشاهده می کنیم این منطقه بدلیل اهمیت استراتژیک خود شاهد زورآزمائی های کشورهای تجاوزگرا ازجمله امپریالیسم آمریکا ومتحدین اروپائی وی وسوسیال امپریالیسم شوروی میباشد وآنچه راکه براساس این حرکات می توان ترسیم کرداینستکه دراین منطقه سیاست آمریکا برآنست تا علاوه بر تدارکات فعال جهت مقابله روبا روی احتمالی، یک خط کمربندی بدورشوروی بکشد .با توجه به این امرکه "پیمان سنتو" بعدازسقوط رژیم شاه عملا کارائی خودرا ازدست دادوازبین رفت ،امپریالیسم آمریکا درپی آنست تا بر پایه واقعیات موجودوتغییراتی که در توازن قوا بوجودآمده ،"پیمان سنتو" را دوباره زنده کرده وجامه عمل بپوشاند .قراردادهای جدیداً شوروی با ترکیه وپاکستان و استقرارپایگاه وتجهیزات نظامی گسترده

● بتازگی بین امپریالیسم آمریکا وعمان پیمانی بسته شده است که براساس آن علاوه بر جزیره "مصیره" ،آمریکا اجازه دارد تا در خاک عمان پایگاه نظامی متعدد مستقر نماید .

درعمان وپایگاه "برنیس" درسومالی ، این امکان لازم را بوجودمی آوردتا علاوه بر امکان گسترده جهت سرکوب انقلابات و جنبشها ومداخلات درکشورهای این منطقه ، خط نظامی آمریکا ،جمهوری روسیه شوروی را محاصره نماید .امپریالیسم چین رویزیونیست نیزبا این سیاست موافق بوده وکوششهای فراوانی جهت تحقق کامل آن بعمل میآورد .

امروزبا توجه به این واقعیات که رژیم کمپرادور شاه سقوط کرده وسیاست زیرموقعیت آمریکا درایران دستخوش تزلزلاتی گشته است ،علیرغم کوشش های متعدد بورژوازی ایران جهت برقراری "مناسبات دوستانه" و "صلح" بین ایران وآمریکا ،امپریالیسم بانگی نگران است .آمریکا نگران آنست که شوروی درایران نفوذ بیشتریابدوحتی پس ازکودتای افغانستان درایران مداخله نظامی نماید ودرمنطقه منافع امپریالیستی اورا موردتهدیدجدی قرارده وآنهم درشرایطی که باسکی هاسست اعتلای مبارزاتی توده های خلقهای ایران ،درعین حال که پایگاههای اساسی خودرا درکشور ناحفظ کرده اند . دارای فعالیت گسترده نمی باشد .بدین لحاظ بیش ازهرزمان دیگردرشرایط منطقه اقیانوس هندوخلیج فارس امریکا بدنبال تجهیزخودست می زند و شوروی را ازهرگونه پیشروی برحذرمی دارد . وحتی خودرابرای جنگ آماده می نماید .

البته نمی توان نتیجه گرفت که شرایط

● اخیراًبعدازتخلیه پایگاههای دریائی نظامی "بربره" درسومالی توسط شوروی در سال ۱۹۷۷ ،آمریکابتاببیمانی اجازه پیداکرد تا در سومالی دارای پایگاه نظامی باشد .

حادمنطقه لزوما درزمان کوتاهی این دو کشوررا روباروی یکدیگرخواهدنمود .زیرا این امکان وجودداردکه در بین مقطع بین شوروی وآمریکا درارتباط با افغانستان وایران سازش رخ دهد . یعنی اینکه آمریکا افغانستان را بمثابه "قسمت" شوروی به رسمیت بشناسدوازبسیج ومسلح کردن فئودالها ونیروهای ارتجاعی افغانی دست بکشدوشوروی نیزایران را بمثابه "قسمت" آمریکا درنظربگیردوازاعطلمی های خود فعلا چشم پوشی کند .

یعنی درست است که قدرتهای امپریالیستی ـ سوسیال امپریالیستی دریک خط عمومی برپایه ماهیت خودودرجهت تحقق اهداف تجاوزگرانه خودبه جنگ روی خواهند آورد، ولی این جنگ درهرمقطع ازسیر کشمکش ها ورقابت ها اتفاق نخواهدافتاد . آنان درحالیکه درخط اصلی با یکدیگررقابت می کنند ،درنقاط ودرمواضعی نیزبا یکدیگر به سازش می رسند .

سیاست طبقه کارگر درقبال کلیه امپریالیستها

حال طبقه کارگروخلقها درقبال این سازش ها رقابت ها وجنگ امپریالیستی چه موضعی بایداتخاذنماید؟

توده های زحمتکش درعین ارتقاء هوشیاری نسبت به تازشها ،توطئه ها ورقابتها ،به مبارزه انقلابی خودعلیه امپریالیستها وسوسیال امپریالیسم وعلیه جنگ امپریالیستی ادامه داده وادامه خواهدداد .امپریالیستها توطئه می چینندوبا یکدیگر سازش می کنندتا جنبش ها وخلقها را خفه کنند .آنان با یکدیگررقابت میکنندتامنافع بیشتروسهم فزونتری ازغارت جهان رابدست آورند ، ولی آنان درسرکوب انقلاب وغارت خلقها شریک ویارومددکاریکدیگرند .بهمین خاطر توده های انقلابی جهان درپی نابودساختن همه امپریالیستها وقدرتهای تجاوزکارمی باشند .طبقه کارگروسایرتوده های زحمتکش هرکزبا هیچ یک ازامپریالیستها (وبرخلاف تزرویزیونیستی وضدانقلابی به جهان) همکاری ووحدت نخواهندکرد ،آنان به اتکاء قدرت خودوتحت رهبری پرولتاریا به پیش میروندو دراین صورت حتما برهمه مرتجعین وامپریالیستها پیروزخواهندشد .

۵۹/۱/۲۲

بقیه از صفحه ۶
در اجتماع...

حکوم میکنیم ودراین موردبه همه نیرو ـ های مترقی دربلوچستان هشدارمیدهیم.

۶ ـ ما هرنوع مانع تراشی وتوطئه ای راکه ازجانب ارتجاع بمنظورجلوگیری از ورودتهدیدهای انقلابی به مجلس انجام شود ،محکوم می کنیم.

★ ★ ★

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

کشتار و سرکوب زحمتکشان، قسمتی از برنامه هیئت حاکمه در سال امسال!

کشتار مردم بیدفاع اندیمشک، قتل عام روستای "قه‌لانان"، کشتار بیکاران درود و این بار کشتار بیکاران ماهشهر، قسمتی از کارنامه هیئت حاکمه در کمتر از یکماه!

هیئت حاکمه فضلقی ایران در آستانه سال جدید مردم بیدفاع اندیمشک را که به عنوان اعتراض به دستگیری کارگران و دبیلمه‌های بیکار اجتماع کرده بودند، به گلوله بست که طی آن ۱۳ نفر به شهادت رسیدند. همچنین روز چهارشنبه ۵۹/۱/۶ حدود ۲۰ نفر از اهالی دهکده "قه‌لانان" بدست پاسداران و نظامیان شهید شدند. روز شنبه ۵۹/۱/۱۶ نیز پاسداران سرمایه به روی اجتماع بیکاران درود آتش گشودند و ۴ نفر را به شهادت رساندند. و اینبار هجومی دیگر به مف[illegible] ماهشهر و باز هم کشتار!

بدنبال چندین روز اجتماع کارگران بیکار ماهشهر در مقابل فرمانداری این شهر برای گرفتن خواستهای خود (پرداخت عیدی، ایجاد کار و در صورت نبودن کار، پرداخت بیمه بیکاری)، سرانجام فرماندار ماهشهر بدون تحقیق و برای ایجاد دودستگی به عده‌ای از کارگران میلیشی بعنوان عیدی پرداخت نموده و آنگاه با هیاهو اعلام میکند که بهمه بیکاران عیدی پرداخت شده است. اما بقیه کارگران برای گرفتن خواستهای خود از جمله عیدی به تجمع در برابر فرمانداری ادامه می دهند، تا اینکه در تاریخ ۵۹/۱/۱۰ تحت فشار کارگران بیکار مسئولین شهر طی نشستی با نمایندگان بیکاران تعهد میکنند که به خواستهای کارگران بیکار رسیدگی کنند.

اما مقامات مسئول نه تنها به خواست کارگران جواب نمی دهند بلکه در مساجد و از طریق اطلاعیه علیه آنها سم‌پاشی کرده و آنان را غدار انقلابی می نامند.

روز شنبه ۵۹/۱/۱۶ کارگران خشمگینانه در جلوی فرمانداری متحصن شده و خواستار ملاقات با فرماندار می شوند. ولی فرماندار برای چندروز دفترش را تعطیل اعلام کرده و خودش نیز آفتابی نمی شود. تماس کارگران با سایر مقامات مسئول شهر مانند رئیس شهربانی، رئیس سپاه پاسداران که از مقامات کنندگان صورت جلسه بودند به نتیجه‌ای نمی‌رسد.

کارگران بیکار در ادامه تلاش و مبارزه‌شان برای رسیدن به خواستهای خود روز یکشنبه ۵۹/۱/۱۷ در شهرداری متحصن شده و از شهردار می خواهند که بخواستهای آنها رسیدگی شود. شهردار می گوید من کاره‌ای نیستم و استعفای خود را نوشته‌ام. عصر آنروز کارگران شهرداری را ترک می کنند. از طرف دیگر تقوی نماینده آیت الله خمینی در ماهشهر در مساجد بیکاران را غدار انقلاب معرفی کرده و می گوید فریب، مردم را و در روی آنها سر زده و شخص، و طرفی را دستور [illegible] دروغ اعلام می شود که در ماهشهر به هر زشتر عیدی پرداخت شده است.

روز دوشنبه ۵۹/۱/۱۸ کارگران بیکار بمنظور ارسال تلگراف به رادیو و تلویزیون برای تکذیب خبر مذکور و نیز ارسال تلگرافی برای شورای انقلاب و ... بطرف مخابرات راه پیمائی می کنند. اما ساعت ۱۲/۳۰ دقیقه ظهر در نزدیکی مخابرات و در حالیکه شعار می دادند ما کارگر بیکاریم، ما اخلالگر نیستیم، مورد هجوم وحشیانه پاسداران به اصطلاح انقلاب قرار می گیرند.

پاسداران کارگران بیکار را که برای بدست آوردن یکی از ابتدائی ترین حقوق انسانی، یعنی "کار" مبارزه می کردند، به رگبار مسلسل میبندند و یکی از زحمتکشان میهن ما بنام علی حیدری درخون می غلتد و دو نفر بنامهای موسی سنجری و جابر دهام زخمی می شوند. در ضمن ۳ نفر از پاسداران یکی دیگر از کارگران را که بشدت زخمی شده بود با خودمی برند که بعداً لباسهای پاره پاره و خونین او زیر پل ماهشهر پیدا میشود. که اسامی دو نفر از این پاسداران عبارتند از اسحاق عساکره و عبدالنبی عقیقی.

عده‌ای از مردم جسد علی حیدری کارگر شهید و دو کارگر مجروح را به بیمارستان دکتر مصدق ماهشهر منتقل می کنند و جمعیت با شعار "مرگ بر پاسدار حامی سرمایه‌دار" و "ما شرو نفرتی عمیق به تظاهرات میپردازند. سپاه پاسداران بعد از این جنایت جولان کاملا بیشرمی طی اطلاعیه‌ای آنرا به یک ماشین پلیز نسبت میدهد. این دروغ را ممکن است مردمی که در جریان شکل گرفتن واقعه نبوده‌اند باور کنند، ولی مردم مبارز ماهشهر بخصوص آن عده‌ای که از نزدیک شاهد بوده‌اند و امضای آنها را در سند زیر ملاحظه می کنید با این ترتیب بیش از پیش نسبت به ماهیت هیئت حاکمه ضدخلقی آگاهی پیدا می‌کنند! روز بعد سپاه پاسداران ۲ نفر از بیکاران را که همراه زخمیان و کارگر شهید علی حیدری به بیمارستان رفته بودند دستگیر کرده و به اهواز می فرستند.

اینک آنها می گویند که با ایجاد رعب و وحشت و دستگیری افرادی که از چگونگی جنایت مذکور خبر دارند، از افشای بیشتر آن جلوگیری کرده و آنرا پرده‌پوشی نمایند.

ما از همه نیروهای انقلابی میخواهیم که با افشای هرچه بیشتر این گونه جنایات برای خلقهای قهرمان ایران سیاست ترور و سرکوب انقلابیون و زحمتکشان را که جزئی از برنامه هیئت حاکمه در سال "امنیت" است را با شکست مواجه سازند.

گرامی باد شهدای بیکار ماهشهر

مرگ بر امپریالیسم آمریکا و ارتجاع داخلی حامی آن

دیروز کشتار اندیمشک، امروز درود و فردا...؟

روز شنبه ۵۹/۱/۱۶ کارگران و دیپلمه‌های بیکار درود بخاطر عدم رسیدگی به خواستهایشان اجتماع کرده و با شعار "کار، کار است شعار بیکار" ندای حق طلبانه خود را بگوش مردم شهر رساندند. پاسداران که کوچکترین بکارگری ندارند بجز اینکه هرگونه صدای حق طلبانه زحمتکشان را در گلو خفه نمایند، جمعیت بیکاران را به گلوله بستند، که در نتیجه محمد علی بیازکی، علی لک، علی مکی و بنی لک به شهادت رسیدند، فقط بدان خاطر که از فقر و بیکاری جانشان بلب آمده بود و خواهان کار بودند. دهها نفر دیگر زخمی شدند فقط بدان خاطر که دیگر نمی‌خواستند بیش از این گرسنه بمانند. بیکاران سراسر کشور نه تنها همچنان در چنگال بیکاری و فقر گرفتارند بلکه خطر گلوله های پاسداران ضد انقلاب همواره تهدیدشان می کند.

دیروز اجتماع بیکاران اندیمشک توسط پاسداران بخون کشیده شد و ۱۳ تن از اهالی اندیمشک از جمله یکی از دانش آموزان هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر بنام حجت الله خوش کفایه شهادت رسیدند، امروز چهارتن از اهالی درود و فردا باز هم شهدائی دیگر در درود رجائی دیگر.

در افشای این جنایات و بویژه کشتار درود، اعلامیه های متعددی از طرف هواداران سازمان در شهرهای بروجرد و درود منتشر شده است. گروه "تندر" هواداران سازمان ضمن انتشار دو اعلامیه به تاریخ ۵۹/۱/۱۶ این جنایت ضد خلقی را محکوم کرده و زحمتکشان درود را به مقابله با این جنایات فراخوانده است. همچنین هواداران سازمان در بروجرد نیز ضمن صدور اعلامیه ای این جنایات را که نظیرش در شهرهای دیگر نیز اتفاق افتاده بشدت محکوم نموده اند. از سوی دیگر ارتجاع بمنظور گمراه کردن و فریب مردم، با دروغهائی نظیر اینکه گویا، این بیکاران بوده اند که به پاسداران حمله کرده اند، خواسته است تا جنایات خود را پرده پوشی کند. سپاه پاسداران و حزب جمهوری اسلامی بروجرد، روز بعد از کشتار بیکاران با کمال وقاحت تظاهراتی در تائید پاسداران درود برپا می‌کنند. اگرچه تبلیغات وسیعی در شهر براه می اندازند و حتی عده ای ناآگاه را با وعده دادن ناهار بسیج می‌کنند با اینهمه نمی توانند بیش از حدود ۸۰۰ تن را جمع کنند. مردم آگاه بروجرد با بی‌اعتنائی به تظاهرات این عوامفریبان مشت محکمی بر دهان این جنایتکاران کوفتند.

استشهاد واقعه

ما امضا کنندگان زیر با هجریان تیراندازی از طرف عده‌ای از پاسداران ماهشهر بطرف بیکاران ماهشهر در ساعت ۱۲/۳۰ ظهر روز دوشنبه تاریخ ۵۹/۱/۱۸ در جلب مخابرات که منجر به کشته شدن یک نفر بنام علی حیدری کارگر بیکار روزخمی شدن ۲ نفر بنامهای موسی سنجری و جابر دهام کارگران بیکار رسودیم و خواهان دستگیری و مجازات عاملین قتل حیدری و زخمی شدن سنجری و دهام هستیم.

بقیه از صفحه ۷

نتایج انتخابات ...

جریان انتخابات برای ایجاد دستومانع در برابر این نیروها، از طرح منطقه‌ای کردن و طرح تصویب شده دومرحله‌ای کردن گرفته تا تقلبات و تخلفات وسیع و سراسری که دیگر کوس رسوائی آن در هرکوی و برزنی نواخته شده است.

تقلبات و تخلفات انتخاباتی در واقع ترس و وحشت هیئت حاکمه را از امکان راه‌یابی نیروهای مترقی و کمونیست به مجلس به رای العین برملا کرد. و در عین حال نشان داد که این شیوه‌ها و شگردها از اجزاء اجتناب‌ناپذیر پارلمانتاریسم بورژوائی است.

بورژوازی و طبقات حاکم، در سایه حکومت خود انتخابات به اصطلاح آزاد برگزار میکنند. اما در هرکجا که احساس خطر کنند، هیچ ابائی از زیر پا گذاشتن آزادی های مورد ادعای خویش ندارند. زیرپا گذاشتن آزادیهای بورژوائی جزئی از آزادی های بورژوائی است! این واقعیت را نباید هیچگاه نادیده انگاشت. تقلبات و تخلفات انتخاباتی را نباید خارج از ماهیت پارلمان و مبارزه پارلمانتاریستی مورد ارزیابی قرار داد. این شیوه‌ها و شگردهای بورژوائی و ظاهرا غیرقانونی، قانون مبارزه با انقلاب است، دائمی پارلمان بمثابه یک نهاد و موسسه بورژوائی است. این واقعیت را باید همانگونه که هست به توده‌ها نشان داد. کمونیستها و سایر انقلابیون نباید از بورژوازی بخواهند که چرا در فلان جا تقلب شده است و در سهمیان جا تخلف. و را و بخواهند که جلوی چنین اقدامات "غیر قانونی" را بگیرد. یعنی از او بخواهند که بر علیه خود اقدام کند. آنها باید تکیه بر این تقلبات و تخلفات و شیوه‌ها و شگردهای نباید نشانه، مشت حکومت را باز کنند، مشت پارلمان را باز کنند و ماهیت پارلمانتاریسم و تمام الزامات و عوارض نمعی آنرا به توده‌ها بشناسانند.

باری، بهرجهت، علیرغم تمام اقدامات و شیوه‌های نباید نه جناحهای مختلف رژیم در جریان انتخابات و در مقابله جوشی با نیروهای مترقی و انقلابی، این نیروها با میزان آراء شی که بخود اختصاص دادند، یک پیروزی چشمگیر بدست آوردند و نشان دادند که بمثابه یک نیروی عملا موجود اجتماعی و سیاسی، یک نیروی رشدیابنده و رو بجلو، در صحنه سیاسی جامعه حضور دارند، و با حضور رشدیابنده خود در این صحنه هیئت حاکمه را به وحشت می‌اندازند. وحشتش فزون تر باد!

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

انفجار بمب در امیدیه

روزجمعه ۵۹/۱/۹ باردیگر عوامل ارتجاع وسرمایه‌داران سرمایه ،دشمنی وکینه‌خود را نسبت به آگاهی ونیروهای انقلابی نشان داده وکیوسک کتابفروشی هواداران سازمان پیکار درراه آزادی طبقه کارگر را امیدیه (در نزدیکی آغاجاری) منفجر کردند .

انفجار کیوسک با عکس العمل شدید مردم امیدیه روبرو شد .اهالی امیدیه از کارگر تا پیشه‌ور و از محصل تا معلم این عمل ارتجاع را محکوم کرده ومخالفت خود را با اعمال تروریستی عمال ارتجاع اعلام کردند .همچنین دنبال تاکنون هیچ دسته وگروهی مسئولیت آنرا بعهده نگرفته است .

" سپاه پاسداران هم از اطلاع به محل آمدند وبا اطلاع به بررسی عمل انفجار پرداختند وآنها اظهار داشتند که قضیه را پیگیری خواهند کرد ولی تاکنون کوچکترین اقدامی در این رابطه صورت نگرفته است .

(بنقل از ضمیمه محلی پیکار شماره ۱۴ کمیته خوزستان).

پشتیبانی از کارکنان زندانی وزارت کشور وظیفه همه نیروهای انقلابی است

" کارکنان متعهد ومبارز وزارت کشور" که اخیراً بدنبال افشاگری از دغلکاریهای حزب رسوای جمهوری اسلامی در انتخابات مجلس شورای ملی مورد خشم وتنفر هیئت حاکمه قرار گرفته اند ،در اعتراض به بازداشت ۳ تن و اخراج ۱۷ نفر از همکارانشان دومین اعلامیه خود را بتاریخ ۵۹/۱/۱۸ منتشر نموده اند . "جرم" کارکنان مبارز وزارت کشور این بود که حقایق را به مردم گفته اند ودر مقابل توطئه ـ هائی که قبل از انتخابات توسط هاشمی رفسنجانی ومعاونین او از جمله رضا زواره ای ـ که هردو نیز کاندیدای نمایندگی بودند ـ انجام گرفته مقاومت می کرده اند .

در اعلامیه شماره ۲ کارکنان مبارز وزارت کشور از جمله چنین آمده است :

"هم اکنون حدود ۱۰ روز از دستگیری همکاران ما می گذرد . در این مدت دو تن از آنان ،یکی از تاریخ ۵۹/۱/۱۱ و دیگری از تاریخ ۵۹/۱/۱۶ بدلیل غیرقانونی دانستن بازداشت خود وعدم حضور آنان در دادگاه علنی ،دست به اعتصاب غذا زده اند . وهم اکنون حال یکی از آنان وخیم است . علیرغم مراجعه مکرر خانواده ـ های همکاران دربند ، " کمیته مرکزی" اجازه ملاقات به آنان نداده واین امر را مشروط به این دانسته است که خانواده های زندانی همکاران مبارز را متقاعد به شکستن اعتصاب غذ او وصحبت کردن در مقابل "بازجویان" بنمایند این عمل که بی‌شباهت به روش بازجویان "ساواک" محمد رضا شاهی در برابر زندانیان نیست ،موجب خشم وتنفر خانواده های زندانیان گردیده ودر نتیجه ،کمیته مرکزی تا کنون از ملاقات بازندانیان ،جلوگیری بعمل آورده است " .

در اعلامیه ضمن اشاره به فعالیتهای مبارزاتی نمایندگان زندانی ،آمده است :

" این انحصارگران تازه از راه رسیده که خود بهتر از هرکس به ماهیت اعمال کذائی ـ شان آگاهی دارند ،از ترس اینکه مبادا توده ـ های مستضعف (یعنی همان کسانیکه اینان خودشان را بدروغ نماینده خواست و منافع آنان جازده اند) ،به دغلکاریهایشان پی ببرند ،مانع از درج وانتشار ساده واقعیت ها در روزنامه های معتبر گردیده و برای اولین بار (وفقط یکبار) ،که گوشه ای از این حقایق در روزنامه های رسمی کشور منعکس گردید ،هراسان وبابراه انداختن سروصدا علیه آنان اعلام جرم و تهدید به تعطیل کردن آنها نمودند .

ما علیرغم اینکه مدارک وشواهد ما هم بسیار ادعاها وخواستهایمان را یکبار تلگرافی ،و بار دیگر حضوری به روزنامه های معتبر روزانه ارجاع داشته ایم ،لکن هربار اینان با اعمال قدرت وتهدید وسانسور ،از انعکاس حقایق با توجه به اهمیت آن ،جلوگیری بعمل آورده اند . آیا این عمل آنان خود دلیلی بر حقانیت خواست ما نیست ؟" .

" سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" ضمن پشتیبانی از مبارزات انقلابی کارکنان مبارز وزارت کشور خواستار آزادی همه زندانیان سیاسی واز جمله ۳ تن از نمایندگان کارکنان وزارت کشور می باشد .■

توضیح و تصحیح

الف ـ با پوزش از خوانندگان پیکار در ضمیمه" شماره (۲) پیکار ۴۹ (سیاست انتخابا ـ تی سازمان چریکهای فدائی خلق ...) اشتباهی درچاپ رخ داده که بصورت زیر تصحیح می شود :

۱ ـ ستون ۳ بعد از سطر ۱۲ (... آرمان مقدس پرولتاریا) اضافه کنید :

یعنی برقراری کمونیسم است .هرچندکه این تشکلها تحت شرایط کنونی جنبش کمو ـ نیستی میهن کاملا عاری از گرایش با نقطه ـ نظرات (انحرافی نباشد ...) .

۲ ـ ستون ۲ از ابتدای سطر ۳۶ تا انتهای سطر ۳۸ حذف میشود . بنابراین جمله بصورت (... هدف خود را آزادی طبقه کارگر از قید استثمار ...) درمی آید .

ب : در پیکار ۴۸ صفحه ۶ ستون ۲ تحت عنوان "توطئه ارتجاع را افشاء کنیم" نوشته شده که شعدادی از جوانان خلق عرب از جمله "عبودی" دستگر کانون فرهنگی دستگیر شده است .طبق اطلاعاتی که بعداً بدست ما رسیده ، این رفیق دستگیر نشده ،ولی چون بجرم حمایت از خلق عرب از جانب ارتجاع تحت تعقیب می باشد ،زندگی مخفی را برگزیده است .

بقیه از صفحه ۲

تطع رشته ...

سلاح به دوست حامیان امیرپالیسم امریکا فرا گیرد! بسمت مبارزه با امیرپالیسم بسمت سنگ آقای بنی صدر! بمبارزه دیگر او بنی ـ گوید برای مقابله با سل ،بدر اجرا کنید!

اما مبارزه‌ای که مردم ما علیه امیرپا ـ لیسم به پیش خواهند برد نه سنگ آقای بنی صدر نیست! بلکه درست در مقابل آن قرار دارد . آنها مبارزه وجود علیه امپریالیسم را از مبارزه علیه بارگاه داخلی امپر ـ یالیسم یعنی سرمایه داران وزمینداران وابسته و بزرگ ،لیبرالها وفرماندهان مزدورارتش ، حامیان محلی وشیاعی نمایندگان آنها جدا سمت شدند .نه تنها از مبارزه آنها نه در حرف نه در شعار ،خلاصه نخواهد شد .بلکه در عمل همچنان حول شعار مبارزه علیه امپریالیسم ، علیه سرمایه داری وابسته ، علیه لیبرالها و همدستان آنها به پیش خواهد رفت .

هرچه گسترده‌تر دنیا از دنیا مبارزه بسوی ودموکراتیک خلقهای ایران مرگ بر امپریالیسم آمریکا و حامیان داخلی او برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۵۹/۱/۲۰

اعلامیه شماره ۶۷

بقیه از صفحه ۶

نامه ...

شدید آمورد اعتراض قرار داد . البته ما هم جوابش را دادیم . فرمانده تهدید کنان گفت "کسانی که میخواهند بروند ،از صف خارج شوند" . اکثر دوستان از صف خارج شدند . فرمانده نرم شد وگفت" کردستان آرام است و به صلاح شما نیست که به کردستان بروید" . ولی ما تصمیم خود را گرفته بودیم ،تنها سیاست کورنود تا این را در چهره یک یک ما نخواند .

فرماندهان یکی پس از دیگری سخنرانی ـ ها کردند ،همه بقصد تفرقه . لکن کارگر نیافتاد .گفتند اگر بروید ،جنین وجنان خواهیم کرد و . . . گفتم که ما تصمیم مان را گرفته بودیم . بعد از اینها سروکله آخوندی پیدا شد . از شاهرود آمده بود . نماینده آیت الله خمینی در آنجا و"نماینده" مردم در مجلس شورا بود . اوگفت" شما با رفتن خود ضربه ای به اسلام وانقلاب و ارتش وارد خواهید کرد ،هرکس که از پادگان خارج شود ضد انقلاب است" .برای پوشاندن ماهیت ضد انقلابی خودش ،ناچار بود که ما را ضد انقلاب بخواند . تمام وسائل بکار گرفته شد ولی نتیجه ای نداد .ما تصمیم مان را گرفته بودیم ،بناچار مرخصمان کردند .

بعد از ظهر همان روز لباسهایمان را در ـ آورده وتحویل دادیم ، هنگام خارج شدن از پادگان ،سربازان تا در خروجی همراهی مان کردند ،واین در زبان را خوش نیامد متفرقمان کردند . کمی پائین تر همگی جمع شدیم و سرود که رقیب را شوداد یم .لحظات باشکوهی بود . احساس میکردیم که زمین زیر پایمان بلرزه درآمده است .یکصد فریاد می‌زدیم "خلق کرد پیروز است ،خلق کرد پیروز است!" .

وخلق کرد پیروز خواهد شد ، اکنون در آغوش مادرمان ،کردستان قهرمان ،به امید این پیروزی دوشادوش خلق خود آماده ایم تا با جنگ ودندان از حقوق خود بدفاع بر ـ خیزیم .■

بقیه از صفحه ۵

حمله مزدوران ...

شورای بازلون تصمیم میگیرد طبق طرح اخراجیه شورا ها سودخویش را دریافت نماید ، اما کارگرانی فداکار ،بیهوده ما پرداخت آن موافقت نمی کنند .کارگران در ادامه مبارزه خود کارفرما را به کروکان می گیرند ، ولی بعدا وراه سپاه پاسداران تحویل می ـ دهند .سرانجام به تصمیم شورای کارخانه کارگران بعنوان اعتراض وافشای ماهیت فداکارگری کارفرما دست به راهپیمائی زده و به اداره کار می روند .در محل اداره کار چند تن از اعضاء شورا مورد هجوم وحشیانه حدود ۲۰ نفر از عوامل مزدور قدکش کارفرما قرار گرفته چهار نفر از آنها بسختی مجروح می شوند .کارگران قبل از تلاش چندتن از مزدوران کارفرما را که از عناصر لمپن و قداحقه شهر هستند دستگیر نمایند .آنها در تحقیقات اولیه اعتراف میکنند از طرف کارخانه ،کارفرمای کارخانه ،اجیر شده اند تا به کارگران حمله نمایند .از مجموعه از لمپنهای معروف شهر و پاسبان بازنشسته ای از جمله افراد دستگیر شده می باشند .کارگران اینک بعنوان اعتراض به این حمله وحشیانه ونیز بمنظور دستیابی به خواستهایشان در اعتصاب بسر می برند .■

منتشر شد

۱ـ ضمیمه (۱) پیکار ۴۹ـ اختلافات ایران وعراق توطئه‌ای علیه خلقهای دوکشور
۲ـ ضمیمه (۲) پیکار ۴۹ـ سیاست انتخاباتی سازمان چریکهای فدائی خلق (۲)

ضمیمه ۱۱۲۴
پیکار
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
دوشنبه ۲۵ فروردین ۱۳۵۹

اختلافات ایران و عراق :
توطئه‌ای علیه خلقهای دوکشور

ضمیمه (۲)
پیکار ۴۹
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک
ضامن وحدت جنبش کمونیستی

سیاست انتخاباتی
سازمان چریکهای فدائی خلق
جلوه‌ای از انحراف رویزیونیستی (۲)

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

گرامی باد خاطره سرباز انقلابی رضا شمس آبادی

سرباز قهرمان شهید رضا شمس آبادی فرزند توده‌های ستمدیده کویر، از جمله نظامیان انقلابی میهن بود که با دش هرگز از دلهای مردم آزاده ما بیرون نخواهد رفت. رکبار مسلسل وی که روز ۲۱ فروردین ۱۳۴۴ در کاخ مرمر پیچید تا شاه این نماینده جنایتکار سرمایه‌داری وابسته، ایران و مزدور امپریالیسم آمریکا را هدف قرار دهد، در واقع فریاد خشم خلقهای میهن ما بود. آری عمل رضا شمس آبادی بیانگر خشم خلق ما علیه امپریالیسم، علیه شاه مزدور بود که کینه آتشین خود را در هر صورت و شکلی نشان می داد.

رضا شمس آبادی در یک خانواده روستائی در شمس آباد کاشان، دهکده‌ای در حاشیه کویر بدنیا آمد. از همان ابتدا با رنج و محرومیت بزرگ شد، و از اوان جوانی در یک کارخانه بافندگی با مزد روزی ۵ ریال به کار پرداخت. کارگری همراه با ارتباط با برخی افراد آگاه او را جوانی بیدار و پر از کینه به رژیم شاه بار آورد. بطوریکه زمانی که دکتر علی امینی در سال ۴۰ به کاشان آمده بود، با یک شیشه اسیدپاشیان او را هدف قرار داد. اما آمینی به این عامل سرسپرده آمریکا وارد نیامد. همینطور یکبار دیگر شمیان جعفری معروف به شعبان بی مخ چاقوکش و تاج بخش شاه را در کاشان با سنگ و تخم مرغ مورد حمله قرار داد. پس از این حادثه او را دستگیر کردند اما او عمل خود را انکار نمود و آزاد گردید.

بالاخره رضا به سربازی رفت و از آنجا که جوانی پرتحرک و با استعداد بود به گارد شاهنشاهی که ورزیده‌ترین سربازها را برای خدمت انتخاب میکرد، انتقال یافت. در این زمان او با یک محفل مارکسیستی آشنا شده و برای به اجراء درآوردن نقشه قتل شاه شب و روز نقشه می کشید، تا سرانجام در ساعت ۹ صبح ۲۱ فروردین ماه ۴۴ دست بعمل زد. اما متاسفانه او را وجود کشتن دو تن از محافظین شاه در حالیکه تیر خورده بود و تن خون آلود و در حال احتضار خود را بزور دنبال شاه می کشید، فریاد می زد "من باید این جنایتکار را بکشم". اما موفق نشد و در حالیکه سنبه‌اش ملالمال از کینه به شاه خائن بود به کاروان شهدای راه آزادی و استقلال پیوست. یادش گرامی باد.

امروز رادیو و تلویزیون و روزنامه‌های نظیر جمهوری اسلامی تلاش می نمایند برای رضا یک سابقه مذهبی آنچنانی بتراشند و او را نیز از رهروان "انقلاب اسلامی" جلوه دهند، در حالیکه هر فردی غرضی می داند که او وابسته به یک گروه کمونیستی بوده است ولو اینکه رهبران این گروه بعداً خود را به رژیم فروختند. باید از کردانندگان رادیو و تلویزیون و روزنامه جمهوری اسلامی که در زمان شاه در این مورد ساکت بودند پرسید اگر رضا آنچنان که شما می گوئید بوده است چرا ۱۵ سال ساکت بودید؟!■

گرامی باد خاطره رفیق شهید حجت الله خوش کفا

در هجوم عوامل ارتجاع و پاسداران سرمایه به مردم مبارز اندیمشک دانش آموز ۱۳ ساله‌ای بنام حجت الله خوش کفا که عضو تشکیلات دانش آموزان هوادار "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" بود، به شهادت رسید. رفیق "حجت" وابسته به تسلی است که حیات سیاسی و مبارزاتی خود را در میان آتش و خون آغازکرد و بی شک تا نابودی امپریالیسم و استثمار و ربائی سوسیالیسم راه او را ادامه خواهد داد.

درود بر همه شهدای بخون خفته خلق!

تعجب نکنید!

در روز انتخابات مجلس شورای ملی، آقای محمد احسان الرحمان تیمسار بنگلادش به منظور شرکت در انتخابات وارد حوزه انتخاباتی جنب پمپ بنزین خیابان انقلاب شد. وی وقتی در جواب مسئول حوزه که پرسید "به چه کسی میخواهی رای دهی" گفت: "به حزب جمهوری اسلامی". با راهنمائی مسئول حوزه رو به حوزه مسجد جاوید واقع در همان خیابان شد. حضور تماینده‌گان سازمانهای سیاسی در حوزه اولی مانع از آن بود که آقای محمد احسان الرحمان بتواند در همانجا رای دهد. همانطور که از کارت شناسائی این شخص پیداست، وی در فرفرا ندم جمهوری اسلامی و انتخابات ریاست جمهوری نیز شرکت کرده است!!

امیدواریم حوزه‌نشینان ما از این همه وسعت بارگاه "مردمی" حزب جمهوری اسلامی دچار تنگنفسی نشوند!

روزهای آخر فروردین و کاروانی از شهیدان بخون خفته خلق

روزهای ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ فروردین با نام شهیدان عزیزی رقم خورده است که در راه رهائی خلقهای زحمتکش ایران، سرازپا نشناخته مبارزه کردند و هجوم شتاب‌زده‌ای فروزان در شبهای سیاه دیکتاتوری رژیم وابسته به امپریالیسم شاه خائن، عاشقانه سوختند و درخشیدند. با ذکر نام آنها و تحلیل از خانواده‌های مفاخر میهن یک بار دیگر با این فرزندان دلاور خلق و کلیه شهیدان پیمان می بندیم که در راه رهائی و پیروزی کارگران و زحمتکشان از چنگال امپریالیسم و همدستانش لحظه‌ای از پای ننشینیم.

۲۸ فروردین ۵۲ – مجاهد شهید هوشمند خامنه‌ای که پس از رهائی از زندان در رابطه با فعالیت انقلابی خود بعنوان عضو سازمان مجاهدین خلق، مخفی شده بود به اسارت دژخیمان ساواک درآمد و در زیر شکنجه بشهادت رسید.

۲۹ فروردین ۵۲ – رژیم آدمکش شاه که برای حفظ منافع آمریکا و سرمایه‌داران وابسته، دیکتاتوری وحشیانه خود را اعمال میکرد، شبانگاه ۹ تن از فرزندان سرسخت دلاور خلق را که سالها در زندان بودند بجرم فرار، در سه‌های آوین به رگبار مسلسلهای آمریکائی بست. این شهیدان عبارت بودند از: بیژن جزنی، حسن ضیاء ظریفی، عباس سورکی، محمدعلی جویباری زاده، سعید کلانتری، عزیز سرمدی و احمد جلیل افشار.

و دو شهید از مجاهدین خلق: کاظم ذولانوار و مصطفی جوان خوشدل.

۳۰ فروردین ۵۱ – چهارتن از اعضای برجسته سازمان مجاهدین خلق ایران: شهداعلی نیاکری، علی میهن دوست، محمد بازرگانی و نامصادق، پس از تحمل شکنجه‌های طاقت فرسا بجرم انقلابی بودن و دفاع از منافع زحمتکشان در بیدادگاههای رژیم شاه محکوم به اعدام شدند و خون پاکشان در سحرگاه ۳۰ فروردین بر زمین ریخت.

★ ★ ★

در ادامه انقلاب دمکراتیک ضد امپریالیستی ایران همچنان سیل خون در کردستان و ترکمن صحرا، در کارخانه‌ها و مدارس و هر گوشه‌ای دیگر از این میهن جاری است. کاروان شهیدان که بر جاده سرخ پیروزی روانست بدون شک تا نیل به پیروزی نهائی کارگران و زحمتکشان و نابودی دشمنان خلق به راه ادامه خواهد داد و هیچ فریب و سازش و مانعی نخواهد توانست راه را بر این پیروزی ببندد. انقلاب تا تمام راه را قاطعانه پیش خواهد برد.■

توضیح در مورد یک آگهی در روزنامه بامداد

در رابطه با یک آگهی که گویا از طرف ما در رفیق شهید مصطفی آفریده در روزنامه بامداد شنبه ۲۳ فروردین ماه جاری چاپ شده و در آن انتساب این رفیق شهید را به بخش متشعب از س. م. خ. ا نفی نموده است، توضیح زیر را ضروری می دانیم:

ما شهدای راه آزادی و استقلال ایران را از هر گروه که باشند، با ایدئولوژی مذهبی یا غیرمذهبی، محترم شمرده و همچنان خواهیم شمرد. تقویمی که اخیراً از جانب سازمان منتشر شده، این موضعگیری اصولی ما را تائید میکند.

و اما در مورد زنده یاد رفیق شهید مصطفی آفریده، باید بگوئیم که او یک انقلابی مارکسیست و از اعضاء بخش متشعب از س. م. خ. ا بوده است. اضافه کنیم که در تاریخ ۵۸/۲/۷ در مراسمی که بمناسبت بزرگداشت خاطره رفیق شهید مصطفی آفریده و جانبازان دیگر از رفقای شهید از طرف سازمان ما در دانشکده پلی تکنیک تهران برگزار شد، خانواده‌های شهدا از جمله یک نفر از خانواده شهید مصطفی حضور داشتند.

در مورد آگهی با دستهٔ ما علت این و از کون سازی ها را نیروهای ارتجاعی موجود در جامعه میدانیم که بر وسیله‌ای میکوشند با تحت فشار قرار دادن خانواده‌های ناآگاه و اقلیت ایدئولوژی و مبارزات انقلابی کمونیستها را نفی کرده و سازمانهای انقلابی کمونیستی را در انظار عام "بی اعتبار" نشان دهند. اما همه میدانند که خورشید را با گل نمی توان اندود!■

شعری از یک مادر مبارز

لاله‌ها فشان شد زمین
جیغ‌گر از قطره‌های خون
چلچراغانش کنید،
چوبه‌های تیرباران را
در مسیر راه کژستان
نگر این لاله‌های غم
بار طفل بی پدر بین
گریه‌ها چون چشمه‌ساران را
دشت کنید رنگرمد لاله
روئیده زخاک شیره‌اش بعد
ز هر یک قطره خون صدها
هزاران لاله‌زاران را

(قسمتی از شعری که مادر مجاهد شهید هوشمند خامنه‌ای در مراسم بزرگداشت روز زن قرائت کرد)

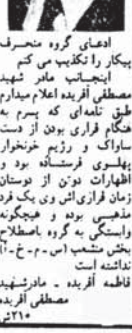

ادعای گروه منحرف پیکار را تکذیب می کنم
اینجانب مادر شهید مصطفی آفریده اعلام میدارم طبق نامه‌ای که پسرم به هنگام قراری بودن از دست ساواک و رژیم خونخوار پهلوی فرستاده بود و اظهارات دوتن از دوستان زمان قراری‌اش وی یک فرد مذهبی بوده و هیچگونه وابستگی به گروه باصطلاح بخش متشعب اس-م-خ-ا نداشته است
فاطمه آفریده - مادر شهید مصطفی آفریده
۲۱۰ش

ما به همراه خلق و تمامی نیروهای انقلابی از تمامیت ارضی میهن خود در مقابل هر متجاوزی دفاع خواهیم کرد!

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر
www.peykar.org